

برای آزادی رضا شهابی: نامه سندیکاهای فرانسه به مقامات دولت فرانسه

برای آزادی
رضا شهابی
نامه سندیکاهای فرانسه به مقامات فرانسوی

آقای رئیس جمهوری فرانسه

کاخ الیزه

55، خیابان فوبورگ سنت اونوره

75008 پاریس

پاریس، 14 سپتامبر 2017

آقای رئیس جمهور

سازمان های ما مایل اند توجه شما را به وضعیت آقای رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (ایران) جلب کنند. پس از تحمل 5 سال زندان در گذشته، ایشان دوباره زندانی شده است.

در سال 2010، او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به شش سال زندان محکوم شده است. تنها «جرم» او دفاع از حق اعتصاب و ایجاد تشکلات سندیکائی مستقل بود.

او که به دلایل پزشکی آزاد شده بود، به رغم توصیه پزشک که زندانی شدن او را مناسب نمی دانستند، در 9 اوت امسال مجبور شد برای

گذراندن سه ماه باقی مانده از محکومیتش، خود را به زندان رجائی شهر کرج معرفی کند.

مقامات ایرانی به همین نیز بسنده نکردند. به بهانه عدم تطابق قانونی آزادی او در سال 2016 به دلایل پزشکی، مقامات زندان یک سال دیگر به دوره زندان او افزوده اند.

برای اعتراض به محکومیت جدید، رضا شهابی به محض ورود به زندان رجائی شهر، دست به اعتصاب غذا زد. شرایط حبس در این زندان بسیار سخت است.

رضا شهابی از مشکلات سلامتی متعددی رنج می برد (مثل نارسائی کلیه، آرتروز شدید که نتیجه وخامت چهار مهره پشت او است). در صورت عدم دسترسی به درمان خطر فلجی او وجود دارد.

محکومیت زندان او نقض آشکار حقوق انسانی و کنوانسیون های سازمان جهانی کار است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است.

علاوه بر مورد رضا شهابی که ما خواستار آزادی فوری اش هستیم، شماری از فعالان سندیکائی دیگر در زندان های ایران می پوسند، از جمله اسماعیل عبدی از انجمن صنفی معلمان و در روزهای اخیر، محمود بهشتی لنگرودی. این زندانیان با خطر محکومیت های شدید روبرو هستند که اجرای حکم به داوری و تمایل مقامات مسئول وابسته است. از بین آنان، می توان از دو فعال کارگری عضو سندیکای شرکت واحد، ابراهیم مددی و داود رضوی و نیز محمود صالحی، مدافع قدیمی حقوق کارگران ایران نام برد. متأسفانه این فهرست کامل نیست. ما برای ارائه پرونده کامل تر آماده هستیم.

در سال 2014 و 2015، دو مسئول سندکائی در زندان فوت کردند. در هر اول ماه مه، تعداد زیادی محکوم می شوند. در جریان دستگیری های پیشگیرنده در آستانه روز کارگر، صدها فعال کارگری برای مدت چند هفته و حتی ماه ها به زندان می افتند. برخی از آنان هنوز در زندان ها می پوسند.

یادآوری می کنیم که سندیکاها در ایران ممنوع اند. فعالیت سندیکائی، فرد را با خطر محکومیت به اعدام، زندان های طولانی، اخراج از کار و حتی مصادره اموال روبرو می سازد.

به رغم عادی سازی ادعائی، نظام سیاسی کشور یکی از سرکوبگر ترین کشورها برای فعالان سندیکائی است. نقض حقوق انسانی بسیار گسترده است. این کشور پس از چین، بزرگترین تعداد اعدام (اعدام های در ملاء عام) را در جهان انجام داده است.

آقای رئیس جمهور، ما فکر می کنیم که در حیطة قدرت شماست تا پیش مسئولان حکومت ایران و به ویژه آقای حسن روحانی که در سال گذشته به دعوت رسمی از فرانسه دیدار کرد، واکنش نشان دهید. زندگی سندیکالیست های محکوم به زندان به آن وابسته است. فرانسه که در سازمان جهانی کار حضور دارد، باید در چارچوب آن بکوشد تا کشورهای عضو این سازمان به مصوبات و کنوانسیون های آن احترام بگذارند. ضروری است که جمهوری اسلامی ایران احترام به این کنوانسیون ها را در کشورش تضمین کند و نتیجهء عملی آن، آزادی فعالان سندیکائی و زندانیان عقیدتی و توقف قطعی تعقیب کارگران و فعالان سندیکائی است.

آقای رئیس جمهور، احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کامی بلان رئیس عفو بین الملل فرانسه Amnesty Internationale

لوران برژه، دبیرکل سندیکای سِ اِ فِ دِ تِ CFDT،

فیلیپ مارتینز، دبیر کل سِ ژِ تِ CGT،

برناردت گروآزون دبیرکل اِ فِ اِ سِ او FSU،

لوک بری، دبیرکل اونسا UNSA،

اریک بنیل و سسیل گوندار لدبیران سندیکای سولیدر Solidaire

آقای ژان-ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه

37، خیابان ساحلی اورسی

75351 پاریس

پاریس، 14 سپتامبر 2017

آقای وزیر

سازمان های ما مایل اند توجه شما را به وضعیت آقای رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (ایران) جلب کنند. پس از تحمل 5 سال زندان در گذشته، ایشان دوباره زندانی شده است.

در سال 2010، او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به شش سال زندان محکوم شده است. تنها «جرم» او دفاع از حق اعتصاب و ایجاد تشکلات سندیکائی مستقل بود.

او که به دلایل پزشکی آزاد شده بود، به رغم توصیه پزشک که زندانی شدن او را مناسب نمی دانستند، در 9 اوت امسال مجبور شد برای گذراندن سه ماه باقی مانده از محکومیتش، خود را به زندان رجائی شهر کرج معرفی کند.

مقامات ایرانی به همین نیز بسنده نکردند. به بهانه عدم تطابق قانونی آزادی او در سال 2016 به دلایل پزشکی، مقامات زندان یک سال دیگر به دوره زندان او افزوده اند.

برای اعتراض به محکومیت جدید، رضا شهابی به محض ورود به زندان رجائی شهر، دست به اعتصاب غذا زد. شرایط حبس در این زندان بسیار سخت است.

رضا شهابی از مشکلات سلامتی متعددی رنج می برد (مثل نارسائی کلیه، آرتروز شدید که نتیجهء وخامت چهار مهره پشت او است). در صورت عدم دسترسی به درمان خطر فلجی او وجود دارد.

محکومیت زندان او نقض آشکار حقوق انسانی و کنوانسیون های سازمان جهانی کار است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است.

علاوه بر مورد رضا شهابی که ما خواستار آزادی فوری اش هستیم، شماری از فعالان سندیکائی دیگر در زندان های ایران می پوسند، از جمله اسماعیل عبدی از انجمن صنفی معلمان و در روزهای اخیر، محمود بهشتی لنگرودی. این زندانیان با خطر محکومیت های شدید روبرو هستند که اجرای حکم به داوری و تمایل مقامات مسئول وابسته است. از بین آنان، می توان از دو فعال کارگری عضو سندیکای شرکت واحد،

ابراهیم مددی و داود رضوی و نیز محمود صالحی، مدافع قدیمی حقوق کارگران ایران نام برد. متأسفانه این فهرست کامل نیست. ما برای ارائه پرونده کامل تر آماده هستیم.

در سال 2014 و 2015، دو مسئول سندکائی در زندان فوت کردند. در هر اول ماه مه، تعداد زیادی محکوم می شوند. در جریان دستگیری های پیشگیرنده در آستانه روز کارگر، صدها فعال کارگری برای مدت چند هفته و حتی ماه ها به زندان می افتند. برخی از آنان هنوز در زندان ها می پوسند.

یادآوری می کنیم که سندیکاها در ایران ممنوع اند. فعالیت سندیکائی، فرد را با خطر محکومیت به اعدام، زندان های طولانی، اخراج از کار و حتی مصادره اموال روبرو می سازد.

به رغم عادی سازی ادعائی، نظام سیاسی کشور یکی از سرکوبگر ترین کشورها برای فعالان سندیکائی است. نقض حقوق انسانی بسیار گسترده است. این کشور پس از چین، بزرگترین تعداد اعدام (اعدام های در ملاء عام) را در جهان انجام داده است.

ما فکر می کنیم که در حیطة قدرت شماست تا پیش مسئولان حکومت ایران و به ویژه آقای حسن روحانی که در سال گذشته به دعوت رسمی از فرانسه دیدار کرد، واکنش نشان دهید. زندگی سندیکالیست های محکوم به زندان به آن وابسته است. فرانسه که در سازمان جهانی کار حضور دارد، باید در چارچوب آن بکوشد تا کشورهای عضو این سازمان به مصوبات و کنوانسیون های آن احترام بگذارند. ضروری است که جمهوری اسلامی ایران احترام به این کنوانسیون ها را در کشورش تضمین کند و نتیجه عملی آن، آزادی فعالان سندیکائی و زندانیان عقیدتی و توقف قطعی تعقیب کارگران و فعالان سندیکائی است.

آقای وزیر، احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کامی بلان رئیس عفو بین الملل فرانسه Amnesty Internationale

لوران برژه، دبیرکل سندیکای سِ اِ فِ دِ تِ CFDT،

فیلیپ مارتینز، دبیرکل سِ ژِ تِ CGT،

برناردت گروآزون دبیرکل اِ فِ اِ سِ او FSU،

لوک بری، دبیرکل اونسا UNSA،

اریک برنیل و سسیل گوندار لدبیران سندیکای سولیدر Solidaire

ترجمه و تکثیر از :

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

اتحاد بین الملل در حمایت از کارگران ایران - پاریس

در باره اعدام های دهه شصت

گفتگوی سیروس ملکوتی با مهرداد درویش پور، مهدی اصلانی و فریدون احمدی

[این برنامه را مشاهده کنید](#)

فراخوان همبستگی جهانی برای آزادی نرگس محمدی

دوستان، همکاران، خواهران و برادران عزیز
نرگس محمدی، نائب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر، اخیراً طی حکم جدیدی که به قطعیت نیز رسیده است جمعاً به ۱۶ سال حبس

محکوم شده که مدت ۱۰ سال آن لازم الاجرا است.

سازمان ملل برای لغو حکم اعدام در ایران باید به اقدامات جدی تری
بپردازد

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران

علیرغم همه کوشش هایی که در جهت لغو حکم اعدام در جهان از سوی
مخالفان این اقدام ضد بشری صورت می گیرد، اما متأسفانه هنوز
کشورهایی هستند که مجازات اعدام را رها نکرده اند و با دست زدن
به این اقدام خشونت آمیز در ترویج خشونت بزرگی در جوامع مشارکت
میکنند.

قتل حمید حاجیزاده و فرزند ۹ ساله اش

از پرونده قتل های زنجیره ای

فرشته قاضی

□□□□□ □□□□ □□ □□ □□ □□ □□

□□ □□□□ □□□□ □□ □□□□□□ □□ □□□□

□□□□□□□□ □□□□

“یک اشتباه ساده” تنها پاسخ وزارت اطلاعات ایران به خانواده حمید
و کارون حاجیزاده است. حمید حاجیزاده، شاعر و نویسنده دگراندیش و
کارون، کودک ۹ ساله اش نیمه شب ۳۱ شهریور ماه ۱۳۷۷ با بیش از ۳۷
ضربه چاقو سلاخی شدند.

به گفته خانواده حاجیزاده “تعداد و نوع ضرباتی که زده بودند به
شدت شبیه قتل فروهرها بود، این قدر این ۴ قتل یعنی قتل حمید و
کارون حاجیزاده و قتل داریوش و پروانه فروهر شبیه هم بود که
انگار یک سناریو بوده، تنها تفاوت این بود که داریوش فروهر را

روی صندلی نشانده بودند و حمید چون خانه اش در حال بازسازی بوده و میز و صندلی هم نداشته روی زمین بود، بیشتر ضربه‌ها از قسمت بالای سینه زده شده بود.

محمد حاجزاده، برادر حمید حاجزاده، پنجم بهمن ماه ۱۳۷۸ در نوشته‌ای با عنوان "گزارش یک قتل، کارون در من است امشب" در نشریه پیام هاجر (با مدیرمسئولی اعظم طالقانی که در سال ۱۳۷۹ توقیف شد) توضیح داده:

"پزشکی قانونی تعداد ضربه‌های دشنه فرو رفته در سینه برادر را ۲۷ از زیر گلو تا زیر ناف و ضربه وارده به سینه کارون را بالغ بر ده ضربه دانسته بود. آثار ضربه سخت و مشت در سر و صورت، پارگی قلب و ریه و دستگاه گوارش، بریده شدن انگشتان دست راست حمید تا روی پوست... بنا به نظر پزشک قانونی با هر ضربه کارد، حمید تیغه چاقو را می‌گرفته، قاتل می‌کشیده و برای باری دیگر فرو می‌کرده که منجر به این گردیده که کف دست بشود پر از شیارهای عمیق شقاوت... کسانی که در غسلخانه حضور داشته‌اند و یا جسد کارون را دیده‌اند از جای آثار نیش چاقو بر روی گوش، صورت و پشت کارون گفته‌اند که باید این آثار قبل از پاره پاره کردن سینه، قلب و شکم کارون روی داده باشد. صحنه قتل به دقت نظامی گونه و استادانه طراحی گردیده بود. اگر چه پس از دو سه روز، هم ما قضیه را فهمیده بودیم و هم آگاهی."



کارون و حمید حاجزاده

"از همان ابتدا مشخص بود که قتل عادی نیست"

حمید پورحاجزاده معروف به حمید حاجزاده و فرزندش کارون، قربانی قتل‌های سیاسی سال ۱۳۷۷ در ایران هستند که در پاییز همین سال با عنوان قتل‌های زنجیره‌ای خیرساز شد. او در آخرین شب تابستان ۱۳۷۷ در کرمان و در ۴۹ سالگی با ۲۷ ضربه چاقو در حالی به قتل رسید که همزمان ۱۰ ضربه چاقو بر پیکر پسر ۹ ساله اش کارون نشست.

آقای حاجزاده، دبیر ادبیات، نویسنده و شاعر با تخلص "سحر" بود و کتاب‌های "کنکاش نامه افیون"، "کولی عاشق نمیشود"، "کارون در من است"، "آرایه‌های ادبی"، "سرود گمشده و واژه یابی چند"، از جمله آثار او هستند که پیش از به قتل رسیدن‌اش منتشر شده‌اند.

فرخنده حاجزاده، خواهر حمید حاجزاده می‌گوید: "از همان ابتدا مشخص بود که قتل عادی نیست هر چند می‌گفتند قتل شخصی بوده، خود ما هم که زیاد هنوز نمی‌دانستیم مسئله چیست دنبال انگیزه و قاتل می‌گشتیم اما رئیس اداره آگاهی کرمان می‌گفت: این قتل عادی نیست، بازپرس پرونده می‌گفت: این قتل انگیزه‌ای به بزرگی چنان می‌خواهد."

وزارت اطلاعات: یک اشتباه ساده

وزارت اطلاعات و حکومت ایران مسولیت قتل حمید و کارون حاجزاده را برعهده نگرفتند و پرونده قتل‌های سیاسی سال ۱۳۷۷ را در ۴ قتل خلاصه کردند. وزارت اطلاعات ایران با انتشار بیانیه‌ای مسولیت قتل محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، داریوش و پروانه فروهر را برعهده گرفت اما این مسولیت را متوجه گروهی از کارکنان "خودسر" این وزارتخانه کرد. بر اساس اعلام خانواده‌های قربانیان، "رسیدگی قضایی به این قتل‌ها یا انجام نشد و یا به بیراهه کشیده شد".

فرخنده حاجزاده درباره پرونده برادر و برادرزاده اش می‌گوید: "تمام این سال‌ها پیگیری‌های ما ادامه داشت، همه جا رفتیم، هر کاری هم توانستیم کردیم، از طرفی هم از سوی وزارت اطلاعات تحت فشار بودیم و احضار و بازجویی می‌شدیم در نهایت هم که گفتند یک اشتباه ساده بوده، یعنی با ضربات چاقو برادر و برادرزاده ام را سلاخی کردند و گفتند اشتباه ساده بوده. چند سال پیش هم در آستانه بازنشستگی من، مرا مجبور کردند بنویسم که در قتل برادرم آنها مقصر نبوده‌اند".

خانم حاجزاده در کتابی با عنوان "من، منصور و آبرایت" که توسط انتشارات خاوران در پاریس منتشر شده جزئیات قتل حمید و کارون حاجزاده را روایت کرده است. او به دلیل انتشار این کتاب هم بارها احضار و تحت بازجویی قرار گرفته است.

جرم: دگراندیشی

حمید و کارون حاجزاده اما تنها قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای نیستند که حکومت حاضر به پذیرش مسولیت قتل آنها نشده است. پیروز دوانی، مجید شریف، ابراهیم زال زاده، حسین برازنده، احمد تفضلی، احمد میرعلایی و دهها روشنفکر و دگراندیش قربانی قتل‌های سیاسی در ایران تا سال ۱۳۷۷ بوده‌اند.

فرخنده حاجزاده، خواهر حمید حاجزاده می‌گوید: "برادر من معلم و

شاعر بود، او حقوق می‌خواند که محروم از تحصیل شد، بعد در جریان انقلاب فرهنگی، رفت کرمان و ادبیات خواند، من بعد از قتل برادرم رفتم دانشگاه بهشتی تا ببینم چرا برادرم محروم از تحصیل شده بود؟ اما پرونده‌ای از برادرم وجود نداشت، بعد از این که ادبیات خواند معلم شد اما در دوران معلمی هم او را تبعید کردند، با این که او از کسانی بود که برای پیروزی انقلاب مبارزه کرده بود اما از همان سال‌های اول انقلاب تبعید شد، محروم شد، منزوی شد، این قدر اذیتش کردند و حلقه را بر او تنگتر کردند که برای چاپ آثارش هم دیگر نمرفت، او قربانی اندیشه اش شد، فقط به جرم بیان و به خاطر ابراز اعتقاداتش کشته شد.

کارون ۹ ساله چه گناهی داشت؟

خانم حاجزاده می‌پرسد: "کارون چه گناهی داشت؟ او فقط ۹ سال داشت، صحنه قتل را برای من بازسازی کردند و نمایندگانی پزشکی قانونی گفت که سه نفر بوده اند، حتی چایی هم خورده اند، شاید فکر می‌کرده‌اند که کارون بعدها می‌تواند آنها را شناسائی کند، شاید می‌خواستند حمید را بیشتر زجر بدهند، نمی‌دانم".

محمد حاجزاده، برادر حمید حاجزاده در گزارشی که در نشریه پیام هاجر در سال ۱۳۷۸ منتشر کرده بود درباره کارون حاجزاده توضیح داده: "بعضی که (در غسالخانه) به دقت به صورت کارون نگاه کرده‌اند به قول روستایی‌های ما حالت «گرگ پدمک» را در چهره کارون دیده‌اند. اصطلاح «گرگ پدمک» در خصوص روبرو شدن گوسفند با گرگ به کار می‌رود، در این حالت وقتی که گوسفندی به ناگهان گرگ را در مقابل خود می‌بیند چشمهایش از حدقه می‌زند بیرون و هرگونه توان و حرکتی از گوسفند سلب می‌شود، در برابر گرگ می‌ایستد و گرگ راحت او را می‌درد".

و زنجیره ادامه یافت

حمید حاجزاده اما دو پسر دیگر به نام‌های اروند و ارس داشت که شب قتل پدر و برادرشان خانه نبوده‌اند. اروند حاجزاده در یادداشتی درباره آن شب که در پانزدهمین سالگرد قتل در رسانه‌ها منتشر شد نوشته است: "در را که باز کردم و وارد شدیم، برای اولین بار بود که فهمیدم خون و چاقو و خنجر چه معنایی می‌دهند، اما مگر میشد بابا را با آن سینه پاره پاره شده دید؟ پای برهنه و با آجری در دست تمام همسایه‌ها را بیدار کردم. پلیس و سرباز و خون و چاقو و

گریه‌های رییس آگاهی که مادرم گمان برده بود قاتل است و مدام می‌پرسید چرا شوهر و بچه ام را کشتید؟ وقتی از پشت پنجره چشمان باز و سینه و صورت پاره کارون را دیدم فریادم به آسمان بلند شد و فهمیدم که خدا هم روزی می‌میرد. هنوز دلم به حال آن شب ارس می‌سوزد. شوکه شده بود. رد خون را گرفته بود و دور خانه می‌چرخید. حمید که پدرت باشد می‌فهمی ابد هم برای یتیم شدنت زود است."

او در این یادداشت توضیح داده: "چند روز بعد از دفن پدر، عمو محمد کنارم نشسته بود و گفت ممکن است قتل پدرت سیاسی باشد و من پرسشگرانه نگاهش می‌کردم. وقتی بازپرس پرونده می‌گفت این قتل انگیزه‌ای به بزرگی چنار می‌خواهد و وقتی سرهنگ پوررضاقلی، رییس وقت آگاهی کرمان در برابر سوال‌های ما سرش را پایین می‌انداخت هنوزم نفهمیده بودیم اصل ماجرا چیست. بیشتر از دوماه از قتل بابا و کارون گذشته بود که گفتند آقای مختاری مفقود شده. او به مراسم ختم بابا آمده بود. چندین روز بعد هم آقای پوینده ناپدید شد و بعد آقای فروهر و خانم اسکندری کشته شدند. اینجا آخر خط ابهام قتل حمید و کارون پور حاجزاده بود. آن آشفتگی و خانه و این بیت غزل بابا حالا دیگر برای من معنای متفاوتی داشت: بر پیکر من نقش شود نقشه ایران / پر خون چو نمایند به خنجر بدنم را".

برگرفته از تارنمای □□□□□ □□□□□

متن کامل گزارش مقطعی گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران

... گزارشگر ویژه در قبال مسوولیت‌های خود به صورت رسمی از ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰ آغاز به کار کرد. به دنبال این انتصاب دیر هنگام در آن زمان گزارشگر ویژه به دبیر کل اعلام کرد که وی در موقعیت ارائه گزارشی جامع نیست اما تمرکز گزارش وی بر متدولوژی و روش کار و طبقه بندی جدیدترین روندهای وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی خواهد بود و بر نیاز به شفافیت و همکاری بیشتر جمهوری اسلامی

تاکید خواهد کرد...

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

تاریخ ثبت در مجمع عمومی ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱

تاریخ پخش عمومی ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱

یادداشت دبیر کل سازمان ملل:

خلاصه:

دبیر کل سازمان ملل مفتخر است که گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران را که از سوی گزارشگر ویژه حقوق بشر، احمدشاید، بر طبق قطعنامه مصوب شورای حقوق بشر ۱۶/۹ تهیه شده است را به اعضای مجمع عمومی ارائه کند.

گزارشگر ویژه در قبال مسوولیت‌های خود به صورت رسمی از ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰ آغاز به کار کرد. به دنبال این انتصاب دیرهنگام در آن زمان گزارشگر ویژه به دبیر کل اعلام کرد که وی در موقعیت ارائه گزارشی جامع نیست اما تمرکز گزارش وی بر متدولوژی و روش کار و طبقه بندی جدیدترین روندهای وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی خواهد بود و بر نیاز به شفافیت و همکاری بیشتر جمهوری اسلامی تاکید خواهد کرد.

فهرست

مقدمه

متدولوژی و روش کار

وضعیت حقوق بشر

A رفتار با فعالان جامعه مدنی

۱. فعالان سیاسی

۲. روزنامه نگاران

۳. فعالان دانشجویی

۴. هنرمندان

۵. وکلا

۶. فعالان محیط زیست

B آزادی اجتماعات

C حقوق زنان

D اقلیتهای قومی و مذهبی

E مجازات اعدام

F بازداشت به دلیل ارتباط با نهادهای خارجی

نتیجه گیری

مقدمه:

۱ - گزارش حاضر بر طبق قطعنامه ۱۶/۹ شورای حقوق بشر ارائه می شود. این قطعنامه حکم گزارشگر ویژه در زمینه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را دایر کرد. این اولین حکم گزارشگر کشوری از سوی شورای حقوق بشر در مورد ایران می باشد. از زمانی که حکم قبلی که توسط کمیسیون حقوق بشر سابق ایجاد شده بود در سال ۲۰۰۲ خاتمه داده شد. این قطعنامه گزارشگر ویژه را موظف می سازد که (۱) گزارشی مقطعی به شصت و ششمین مجمع عمومی ارائه کند و (۲) گزارشی به شورای حقوق بشر برای توجه این شورا در نوزدهمین نشست آن ارائه کند. این قطعنامه همچنین از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد که به طور کامل با گزارشگر ویژه همکاری کند، به وی اجازه ورود و سفر به آن کشور دهد و همچنین تمامی اطلاعات مورد نیاز برای تحقق وظایف وی را ارائه دهد.

۲- ریاست شورای حقوق بشر گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ منصوب کرد. وی به طور رسمی از ۱ آگوست ۲۰۱۱ آغاز به کار کرد و در آن زمان به مکاتبه با مقامات ایرانی پرداخت و از آنان درخواست همکاری کرد. تا زمان نگارش این گزارش هیچ پاسخ رسمی از سوی مقامات ایرانی به این درخواست داده نشده است. گزارشگر ویژه همچنین در جولای ۲۰۱۱ درخواست ملاقات غیررسمی با نماینده دائمی ایران در سازمان ملل

درژنو کرد و همچنین پیشنهاد کرد که در ماه آگوست ۲۰۱۱ به سوئیس سفر کرده و با وی قبل از ارائه این گزارش دیدار کند. ولیکن هر دو درخواست برای ملاقات ناموفق بودند. در بیانیه مطبوعاتی که در ۳ آگوست ۲۰۱۱ منتشر شد، گزارشگر ویژه از دولت خواست که به همکاری کامل با وی روی آورد و همچنین تاکید کرد که برقراری این حکم جدید فرصتی برای ایران است تا در زمینه طیف وسیعی از دغدغه های حقوق بشر که توسط جامعه بین المللی مطرح شده اند اقدام کند. در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ در نامه ای به گزارشگر ویژه، نماینده دائمی ایران به سازمان ملل، محمد رشا سجادی به دیدار برای صحبت و روش کار ابراز علاقه کرد. همچنین در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ با ارسال نامه ای به مقامات ایرانی در خواست سفر به آن کشور در نوامبر ۲۰۱۱ مطرح شد. گزارشگر ویژه امید به پاسخ مثبت به این درخواست دارد چرا که نمایانگر همکاری و مقاصد سازنده جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۳ - پیش از آغاز رسمی حکم خود، در جولای ۲۰۱۱ گزارشگر ویژه یک سفر خصوصی به ژنو انجام داد و سپس در اوائل سپتامبر ۲۰۱۱ یک سفر رسمی به آنجا داشت. وی با تعدادی از افراد مربوط منجمله کمیساریای عالی حقوق بشر ملاقات کرد و همچنین با شماری از سازمان های غیردولتی معتبرین المللی و نمایندگان کشورهای حامی این حکم و نمایندگان کشورهایی که با آن مخالفت کرده بودند ملاقات کرد.

۴ - گزارش حاضر متدولوژی که نحوه کار گزارشگر ویژه در طی اجرای وظایف خود را ترسیم خواهد کرد را به همراه تمرکز آن ارائه می کند. گزارشگر ویژه خاطرنشان می کند که گزارشی جداگانه از سوی دبیر کل سازمان ملل در مورد تحولات حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از شهریور ۱۳۸۹ تا کنون به شصت و ششمین نشست مجمع عمومی ارائه خواهد شد. بدون پیشداوری در مورد مطالبی که وی می خواهد با مقامات ایرانی مطرح کند، گزارشگر ویژه نگرانیهایی که در گزارش دبیر کل مطرح شده است و همچنین توصیه نامه های آن را حمایت می کند. گزارش حاضر هم شامل آخرین تحولات حقوق بشر در ایران می باشد ولیکن تمرکز آن بر پرونده ها و مواردی است که مستقیماً با گزارشگر ویژه مطرح شده اند و تحولاتی که از نشست شورای حقوق بشر تا کنون اتفاق افتاده اند.

۵- گزارشگر ویژه از اظهاراتی که به کارگزاران مختلف جمهوری اسلامی منصوب شده که علاقه آنان به همکاری با سیستم حقوق بشر سازمان ملل را مطرح می کند استقبال می کند، مانند دعوت از سازوکارهای موضوعی ویژه و پیشنهاد سفر کمیساریای حقوق بشر، به عنوان فرصتی برای

همکاری نهادهای حقوق بشر و مقامات ایرانی از طریق ارتباطات مقامات بلندپایه، ولیکن همانطور که کمیساریای عالی حقوق بشر بر آن اصرار کرده، ماموریت‌های تحقیقاتی اولیه که شامل بازدید میدانی با دسترسی کامل برای گزارشگر ویژه می باشد برای آماده کردن شرایط سفر کمیساریای عالی مفید می باشد و مشارکت معنی دار برای انجام وظیفه کنونی هم می باشد. گزارشگر ویژه همچنین خاطر نشان می کند که شماری از درخواست های فوری از سوی گزارشگران ویژه موضوعی از سوی مقامات ایرانی بدون پاسخ مانده اند و گزارشگر ویژه متاسف است که هیچیک از گزارشگران موضوعی از سال ۲۰۰۵ تا کنون به ایران سفر نکرده اند.

۶- گزارشگر ویژه اساسا براین عقیده است که به وجود آمدن این دستور کار فرصتی را ارائه می کند برای همکاری هماهنگ شده بیشتر با مقامات ایرانی در مورد طیفی از مسائل حقوق بشر که ازسوی جامعه بین المللی مطرح شده اند. این دستور کار کشوری همچنین فرصتی برای تسهیل شناخت عمیق تر وضعیت حقوق بشر خاص در ایران در زمینه های فرهنگی و تاریخی ویژه آن است.

این همچنین فرصتی است برای پیشرفت تلاش های کنونی برای دنبال کردن چالش های ایران هم به شیوه ای تدریجی و هم به شیوه جامع. گزارشگر ویژه همچنین امیدوار است که ایران کارکرد وی را به عنوان فضایی امن و مشروع برای برداشتن گام هایی به سوی تعهدات بین المللی خود و همچنین فرصتی برای دنبال کردن جوانب حوزه های نگرانی که به ایران منتقل شده در طی مبادلات خود با جامعه بین المللی در موضوعات حقوق بشر بداند.

۷- گزارشگر ویژه همچنان از جمهوری اسلامی ایران در خواست خواهد کرد تا همکاری کامل خود با این دستور کار را انجام دهد. همکاری کشور در دستور کار فقط می تواند نیروی بالقوه برای سیاست زده شدن را کاهش دهد، نگرانی که ایران همواره بیان کرده است. ولیکن همکاری ناکافی باعث ادامه افزایش نگرانی های جامعه بین المللی خواهد شد و احتمال گفت وگویی مثبت وسازنده در این موارد را کاهش می دهد.

روش پیشنهادی کار:

۸ - گزارشگر ویژه توسط اصول بی طرفی، استقلال و شفافیت کار خود را به پیش خواهد برد با اهداف مشخص روشنگری، تایید و همکاری در اجرای

تعهدات حقوق بشری ایران. گزارشگر ویژه بر این باور است که این ممارستی باید فارغ از سیاست زدگی و تنها با میل به کمک به ایران برای اجرای تعهدات بین المللی خود با شیوه ای تدریجی و شفاف باشد.

۹ - تمرکز اصلی تلاش های گزارشگر ویژه این خواهد بود که برای گزارش عادلانه و دقیق وضعیت حقوق بشر همکاری مقامات در ایران را جلب کند. در این راستا گزارشگر ویژه همچنان به دیدار از کشور ایران علاقه مند است تا با مقامات مربوطه آن کشور ملاقات کرده و از آنها اطلاعات بخواهد در مورد موضوعاتی که نهادهای حقوق بشر و دبیر کل مطرح کرده اند. به خصوص در زمینه های مربوط به قطعنامه های مختلفی که شورای حقوق بشر و مجمع عمومی صادر کرده اند.

۱۰ - گزارشگر ویژه همچنان درخواست همکاری اعضای سازمان ملل را دنبال کرده و خواهد کرد من جمله اعضای شورای حقوق بشر تا حمایت آنها برای تسهیل کار خود را در خواست کند. با وجود آنکه برخی از این کشورها ممکن است حامی دستورهای کشوری نباشند اما آنها از مشروعیت تصمیم های شورا و اهمیت همکاری بین المللی در ترویج و حمایت از حقوق بشر حمایت می کنند. گزارشگر ویژه بنا دارد که در ارتباط نزدیک با این کشورها در جلب حمایتشان برای تشویق ایران به توانا شدن در خصوص سنجش مستقل صحت ادعاها در مورد وضعیت حقوق بشر ایران باقی بماند. گزارشگر ویژه امیدوار است که اعضای مجمع عمومی هم ایران و هم کشورهای دیگر را به افزایش همکاری شان با تلاش های گزارشگر ویژه برای جمع آوری اطلاعات مربوطه و دقیق تشویق کند.

۱۱ - شماری از کنشگران حقوق بشر و جامعه مدنی ایران و همچنین سازمان های بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران با گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران تماس گرفتند. وی مشاوره های رودررویی را با این افراد و سازمان ها انجام داده است. بخش قابل توجهی از اطلاعات به دست آمده با استانداردهای معتبر مورد نظر شورای حقوق بشر همخوانی داشته و بسیاری از این پرونده ها استحقاق اقدام فوری از سوی گزارشگر ویژه را دارا می باشند. این شهادت ها و موضوعات در این گزارش مطرح شده اند. گزارشگر ویژه به دنبال همکاری مقامات ایرانی در بررسی این پرونده ها خواهد بود و نتیجه این تحولات را در گزارش بعدی خود درج خواهد کرد.

۱۲ - گزارشگر ویژه بر این باور است که خروجی بررسی دوره ای همگانی در شورای حقوق بشر (UPR) که وضعیت جمهوری اسلامی ایران را در فوریه ۲۰۱۰ بررسی کرد، پایه مناسبی برای همکاری وی و مقامات

ایرانی ایجاد می کند. در این مورد، او می تواند به تلاش های جمهوری اسلامی برای اجرای ۱۲۳ توصیه مطرح شده که این کشور موافقت کرد که با شفافیت و حمایت جامعه بین المللی آن را عملی کند. گزارشگر ویژه همچنین به دنبال آن خواهد بود که در مورد توصیه هایی که از طرف ایران رد شده به خصوص در سایه قوانین بین المللی حقوق بشبا این کشور گفت و گو کند.

به علاوه موضوعاتی که در گزارش های مرتبط با معاهدات، گزارشات مختلف دبیرکل و گزارشگران موضوعی و همچنین قطعنامه هایی که توسط مجمع عمومی و شورای حقوق بشر برجسته شده اند، دستور کار گزارشگر ویژه برای گفت و گو با ایران ترسیم خواهد کرد.

۱۳ - گزارشگر ویژه همچنین با دیگر گزارشگران موضوعی درخواست های فوری و دیگر مکاتبات همکاری خواهد کرد و همچنین درخواست ها و مکاتبات خودش را برحسب ضرورت در نظر خواهد داشت. وی گوشزد می کند که در حالی که شماری از مکاتبات بی پاسخ مانده اند، در بسیاری از موارد ایران جواب داده است و وی به دنبال این خواهد بود که سطح ارتباطات با ایران را در مورد موضوعاتی که مورد توجه شورای حقوق بشر و مجمع عمومی می باشند افزایش بدهد.

۱۴ - گزارشگر ویژه براین باور است که دستور کار وی همچنین شامل نقش مهم دنبال کرد تعهدات بین المللی کشور مورد توجه می باشد. وی توجه بسیاری به همکاری با مدافعین حقوق بشر ایرانی و جامعه مدنی آن خواهد کرد منطبق با ضوابط عمل مرتبط با مکانیسم های ویژه. وی همچنین تلاش ها برای به وجود آوردن گفت و گوی غیرسیاسی، ترویجی، آگاه سازی عمومی و شناخت از وضعیت حقوق بشر در ایران از طریق ایجاد ارتباط با جامعه مدنی و کارشناسان حقوقی و دانشگاهی را تشویق خواهد کرد. وی همچنین قصد دارد که از طریق حضور برجسته در رسانه ها نه تنها برای تقویت تلاش های مقامات ایرانی در برآورده ساختن تعهدات بین المللی شان، بلکه همچنین برای برجسته کردن شکوائیه های آنانی که خود را قربانی می دانند. در این مورد گزارشگر ویژه بر این باور است که نیاز به یک توازن مابین یک ارتباط سازنده با مقامات ایرانی و تلاش های رسانه های وجود دارد تا بدین سان حسن نیت و تعهد به تحقیق در مورد اظهارات در مورد نقض حقوق بشر را نشان دهد.

وضعیت حقوق بشر:

۱۵- جمهوری اسلامی ایران پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را سوم تیرماه ۱۳۵۴ بدون هیچ پیش شرطی را تصویب کرد که بر طبق آن حکومت راموظف به ترویج و حمایت از ضمانت های آن پیمان نامه می کند. این ضمانت ها شامل آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی انجمن ها و آزادی مذهب می باشد که تمامی آنها برای ترویج و حمایت از ایده آل های دموکراتیک شناخته شده اند.

۱۶ - پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی همچنین حق دادرسی عادلانه، حق دسترسی به مشاوره حقوقی، رفتار انسانی با بازداشت شدگان را تضمین و هرگونه بازداشت و دستگیری خودسرانه افراد را ممنوع می کند. قوانین بین المللی همچنین حقوق برابر زنان را با قید اینکه کشورهای متعهد بایستی حقوق برابر مردان و زنان برای بهره " برداری از همه حقوق سیاسی و مدنی که در پیمان نامه آمده است تضمین می کند. این حقوق همچنین شامل حق انتخاب شدن و مشارکت در انتخابات آزاد و عادلانه می باشد. همچنین این پیمان نامه از حقوق اقلیت هایی که در کشور وجود دارد حفاظت می کند و در ماده ۲۷ تصریح میکند حقوق اقلیتها نباید نادیده گرفته شود و آنها از فرهنگ، اعتقادات مذهبی و زبان مادری خود بهره برند.

۱۷ - درهماهنگی با این تضمین های حقوق بشری، مواد ۲۳ تا ۲۷ قانون اسلامی جمهوری اسلامی آزادی بیان، اجتماعات، انجمن ها و آزادی مذهب را تامین کرده است. علاوه بر آن، مواد ۳۲ و ۳۵ قانون اساسی حقوق افراد متهم و بازداشت شده را با ذکر اینکه " اصل ۳۲ - در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد.

۱۸ - شماری از افراد و سازمان ها شهادت های دست اولی را برای گزارشگر ویژه تهیه کردند. عمده این گزارش ها نمایانگر روند نقض سیستماتیک اصول بنیادین مطرح شده حقوق بشر است. از این جهت، و بدون تعصب درخصوص ارتباطات بعدی، فوری ترین مسائلی که مورد توجه گزارشگر ویژه قرار گرفته اند شامل کمبودهای چندگانه در رابطه با قوه قضاییه است که در این موارد قابل بررسی است: برخی از شیوه های خاص که به مثابه شکنجه است، رفتارهای بی رحمانه یا طرز برخورد تحقیرآمیز با بازداشت شده، صدور حکم اعدام در نبود تضمین های قضایی متناسب، وضعیت زنان، آزار و اذیت اقلیت های قومی، سلب حقوق مدنی و سیاسی - به خصوص آزار و اذیت و ارعاب مدافعان حقوق بشر.

۱۹ - به علاوه، گزارش‌ها کرارا در خصوص استفاده از بدرفتاری‌های فیزیکی و روانی و شکنجه به اهداف وادار کردن آنان به قبول اتهامات صحبت کرده‌اند. از این جهت، چندین مصاحبه رودررو نشان می‌دهد که افراد غالباً در سلول انفرادی به مدت طولانی در اثنای دوره تحقیقات از پرونده‌شان نگهداری شده بودند. همه کسانی که درخصوص بازداشتشان مصاحبه شدند استفاده مستمر و مداوم از چشم‌بند در زمانی که به سلول انفرادی منتقل شده‌اند همچنین در زمان بازجویی‌ها را گزارش کرده‌اند. چندین تن گفته‌اند که تهدید شده‌اند، مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند، به آنها توهین شده است، یا با تهدیداتی علیه اعضای خانواده‌هایشان مورد ارباب قرار گرفته‌اند و آنها چنین برداشتی داشته‌اند که چنین اقداماتی به منظور تشویق آنها به پذیرفتن به شناختن یا همکاری با افرادی که برای بازداشت شده‌اند ناشناس بوده است. بازداشت و یا ارباب اعضای خانواده نیز اغلب توسط این افراد مطرح شده است.

۲۰ - اتهاماتی که علیه مدافعان حقوق بشر، همچنین فعالان جامعه مدنی و فعالان مذهبی در شمار بسیاری از پرونده‌هایی که در این گزارش مطرح شده‌اند عبارتند از (الف) اقدام علیه امنیت ملی (ب) مشارکت در تجمعات غیرقانونی (ث) توهین به رهبر و (د) تبلیغ علیه نظام .

۲۱ - اکثریت این گزارش‌ها همچنین استفاده از مبالغ غیرمعقول و وثیقه برای تضمین حضور افرادی که برای فعالیت‌های مدنی، سیاسی و حقوق بشری (درپیشگاه دادگاه) را برجسته می‌سازد. مبلغ وثیقه در این گزارش‌ها مواردی از ۱۰ هزار تا ۵۰۰ هزار دلار آمریکا را در برمی‌گیرد. متهمان و یا وثیقه‌گذاران اغلب وادار به ودیعه گذاشتن سندخانه و یا امضای تعهدنامه‌ای که بعداً به وسیله آن از حقوق افراد برداشته می‌شود. همه گزارش‌ها مطرح می‌سازند که سرمایه‌ای که برای تضمین حضور (درپیشگاه دادگاه) ارائه می‌شود - غالباً سندمنزل - هرگز به تضمین‌کننده‌ها بازگردانده نشده‌اند حتی زمانی که قاضی رای به بیگناهی فرد داده یا با پایان تحمل مدت محکومیت، از آنجاییکه این افراد این اسناد را در اختیار ندارند از کنترل مالی دارایی‌های خود محروم می‌مانند که سطح نگران‌کننده‌ای از پافشاری برای مجازات را حتی بعد از پایان پرونده‌ها ایجاد می‌کند.

۲۲ - به علاوه چندین گزارش ادعا می‌کنند که دادستانان اغلب افراد را پیش از اینکه برای صدور حکم در دادگاه حاضر شوند از احکامشان

آگاه می کنند و اینکه این احکام غالباً مانند همان هایی هستند که توسط قضات مرتبط با پرونده ها صادر می شود. گمانه زنی این گزارش ها این است که چنین موضوعیت منعکس کننده فقدان استقلال قضات در چنین پرونده هایی است که عمیقاً برای گزارشگر ویژه نگران کننده است.

۲۳ - گزارشگر ویژه از اعلام اخیر مقامات ایرانی برای عفو ۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی که به جرم های مختلفی از جمله شرکت در تجمعات سال ۲۰۰۹ متهم شده بود استقبال می کنند. او امیدوار است که این قدم در کنار بررسی پرونده های مدافعان حقوق بشر، وکلا، روزنامه نگاران، فعالان حقوق زنان، هنرمندان، و فعالان جامعه مدنی که در این گزارش مطرح شده اند پیشرفت دولت را در بهبود وضعیت حقوق بشر ارتقا بخشد. به علاوه گزارشگر ویژه مایل است که از دولت ایران درخواست کند که اطلاعات در مورد روند و معیارهایی که برای اعطای بخشودگی به افراد یاد شده به کارگرفته شده است را در اختیار او بگذارد. گزارشگر ویژه آزادی دو کوهنورد آمریکایی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ را امیدوارانه طلقی میکند.

رفتار با کنشگران جامعه مدنی

فعالان سیاسی:

۲۴ - گزارش های مربوط به وضعیت بازداشت و همچنین عدم برخورداری از حقوق رهبران سیاسی میرحسین موسوی و مهدی کروبی همچنین همسرانشان زهرا رهنورد و فاطمه کروبی عمیقاً نگران کننده است. هر این چهار نفر از فوریه ۲۰۱۱ در پاسخ به درخواستشان برای تجمع در حمایت از فعالان طرفدار دموکراسی در سراسر منطقه تحت بازداشت خانگی بوده اند.

۲۵ - شرحی از بازداشت آقای موسوی در اثنای مصاحبه با یکی از نزدیکان وی در روز ۲۶ اگوست ۲۰۱۱ به گزارشگر ویژه مطرح شده است. وی گفت که با اینکه هیچ اتهام رسمی علیه آقای موسوی و همسرانشان اقامه نشده است، شرایط بازداشت آنان به نحوی است که آقای موسوی و خانم رهنورد خود را زندانی دولت می دانند. در این مسیر، گزارش شده است که این زوج قادر نبوده اند که با اعضای خانواده و دوستان از زمان بازداشت به صورت آزاد ارتباط برقرار کنند.

وی همچنین گفته است که همه روش های برقراری ارتباط یا از بین رفته اند یا از خانه این زوج بیرون برده شده اند. او همچنین گفت که تا دو هفته قبل از این مصاحبه، تعداد اندکی ملاقات که به شدت

تحت نظر بوده را با اعضای خانواده هایشان طی شش ماه گذشته داشته اند. براساس گزارش ها اعضای خانواده به شدت مورد تفتیش بدنی قرار گرفته اند و ظن این رفته که ملاقات ها ضبط (ویدیویی) شده است. به علاوه این زوج بر اساس گزارش ها از کنترل بر سلامت خود، کتاب، فضای شخصی و توانایی برای انجام کارهای معمولی منزل و سرگرمی های خود محروم بوده اند. آزار واذیت و ارباب اعضای خانواده آقای موسوی همچنین مطرح شده است. او همچنین گفت که خانواده آقای موسوی عمیقا نگران سلامت وی هستند با توجه به اینکه او وزن او به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. برخلاف چندین مورد ناراحتی که نیازمند توجه پزشکی بوده است، پزشکان آقای موسوی را مورد مداوا قرار داده اند و گفته اند که وضعیت سلامت وی بحرانی نیست.

در تاریخ ۲۳ اگوست ۲۰۱۱ مصاحبه ای با یکی از همکاران [۲۶] - نزدیک آقای کروی که مایل بوده به صورت ناشناس باقی بماند انجام شده است. این شاهد عینی و دست اول در خصوص خشونت اعمال شده علیه آقای کروی و همکارانش و همچنین وضعیت حصر خانگی آقای کروی ارائه کرد. گزارش شده است که تلفن های آقای کروی همگی قطع شده اند و مامورین به خانه او وارد شده و تلویزیون، مدارک و نیز کتاب های او را از خانه اش برده اند. خانم کروی هم اجازه نداشت که به قرارهای پزشکی (برای معاینه) خود برسد همچنانکه که داروهای این زوج توقیف شدند و آقای کروی دسترسی به پزشک خانوادگی نداشته علیرغم مشکلات تنفسی که داشته است. همچنین گزارش شده که آقای کروی در ۱۸۶ روزی که تحت بازداشت خانگی بوده تنها ۱۰ دقیقه توانسته در هوای آزاد تنفس کند. این شاهد همچنین گفته است که از زمانی که مامورین اطلاعاتی با گذاشتن دوربین در راهروها و اتاقا های اولین مکانی که این زوج دستگیر شده بودند مکان را نظارت می کردند هیچ فضای شخصی برای این دو نمانده است. همچنین گزارش شده که از زمان بازداشت آقای کروی تنها شش بار با اعضای خانواده خود ملاقات کرده و اینکه ملاقات کننده ها کاملا مورد تفتیش بدنی قرار گرفته اند هم قبل و هم بعد از ملاقات و هنگام خروج. براساس گزارشها ماموران هنگام ملاقات های آقای کروی و همسر ایشان حضور داشته اند. آقای کروی و همسر ایشان اخیرا از خانه خود به مکان های جداگانه ای حدودا در تاریخ ۱۶ جولای و ۱ اگوست برده شدند. درحالی که خانم کروی بر اساس گزارش ها دیگر تحت بازداشت خانگی نیست، آقای کروی به یک دفتر با دو اتاق برده و در آنجا نگهداری می شود واز ۱۶ جولای هیچ تماسی با خانواده خود نداشته است. گزارش های مبنی بر اینکه همزمان ۶ مامور همواره اتاق های یاد شده را اشغال

کرده اند و احتمال حضور تیمی از روانشناسان که به منظور گرفتن اعترافات اجباری تلویزیونی درکنار آقای کروی برای گزارشگر ویژه بسیار ناراحت کننده است. همچنین گزارش شده است که برخی از اعضای دو خانواده آقای موسوی و آقای کروی مورد آزاد وادیت قرار گرفته، ارباب و یا حتی بازداشت شده اند.

۲۷ - حشمت الله طبرزدی فعال سیاسی و دبیرکل جبهه دموکراتیک ایران در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹ دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. براساس گزارش ها درسلول انفرادی نگهداری و شکنجه شده است. در اکتبر ۲۰۱۰ طبرزدی به ۹ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق برای اقدام علیه امنیت ملی و توهین به رهبر محکوم شد. بعد از اعتراض به اعدام ۵ زندانی سیاسی طبرزدی به زندان رجایی شهر منتقل شد. طبرزدی در نامه ای که از زندان نوشت از دادگاه های بین المللی خواست که به شکای او علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران رسیدگی کنند. در آوریل ۲۰۱۱ طبرزدی به همراه دیگر زندانیان در زندان رجایی شهر در اعتراض به شرایط زندان دست به اعتصاب غذا زد.

روزنامه نگاران:

۲۸ - در نامه ای به گزارشگر ویژه که تاریخ ۱۷ اگوست ۲۰۱۱ را بر خود دارد، کمیته محافظت از روزنامه نگاران اعلام کرد که ۳۴ روزنامه نگار تا تاریخ دسامبر ۲۰۱۰ در زندان به سر می برند. آنها گفتند که روزنامه نگاران اغلب با وثیقه های غیرمعقول مواجه شده اند که برخی مواقع تا ۵۰۰ هزار دلار آمریکا رسیده است. یکی از این پرونده ها مربوط به احمد زیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب و ستون نویس روزآنلاین و دبیرکل انجمن دانش اموختگان ادوالتحکیم وحدت است که در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد. وکیل آقای زیدآبادی و همسرش گفته اند که او بیش از دو سال زندانی است بدون اینکه از مرخصی برخوردار باشد درطول این مدت. در ۴ اگوست ۲۰۱۱، آقای زیدآبادی به مدت ۴۸ ساعت به مرخصی آمد تحت این شرایط که ۵۰۰ هزار دلار وثیقه بگذارد. آقای زیدآبادی در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۱۰ به ۶ سال زندان، پنج سال تبعید به گناباد و محرومیت همعمر از فعالیت های سیاسی و اجتماعی به دلیل اتهاماتی چون "تلاش برای ایجاد انقلاب مخملی" محکوم شده است. گزارش شده است که آقای زیدآبادی ۱۴۱ روز در زندان انفرادی بوده است و از بازجویی های دشوار خشن برای اجبار او به قبول اتهاماتش رنج برده است.

۲۹ - محمد داوری برنده جایزه " کمیته دفاع از روزنامه نگاران " و

سردبیر وب سایت سهام نیوز در مورد وضعیت زندانیان در بازداشتگاه کهریزک گزارشاتمی تهیه کرد به همراه ضبط ویدیویی شهادت افرادی که شکنجه شده یا مورد آزاد واذیت جنسی وحتى تجاوز قرارگرفته بودند. این همراه با دلایل دیگر منجر به بسته شدن بازداشتگاه کهریزک در جولای ۲۰۰۹ شد. کار آقای داوری منجر به دستگیری وی و بازداشت او در زندان اوین در سپتامبر ۲۰۰۹ شد. او به ۵ سال زندان برای "اقدام علیه نظام: شد. این حکم اخیرا به شش سال افزایش یافت چرا که آقای داوری قادر نبود که مبلغ ۵۰۰۰ دلار جریمه برای شرکت در تجمع معلمان در تاریخ فوریه و مارس ۲۰۰۶ را پرداخت کند. مادر او در نامه ای که به بان کی مون دبیرکل سازمان ملل نوشته است گفته که پسرش در بازداشتگاه شکنجه سختی را تحمل کرده کرده است. براساس گزارش ها آقای داوری برای اینکه بر علیه کاندیدای سابق ریاست جمهوری مهدی کروبی اعترافات تلویزیونی بکند به سختی شکنجه شده است. براساس گزارش ها آقای داوری در زندانی انفرادی نگهداری شده و قادر نبوده است که در هشت ماه گذشته با خانواده خود تماس برقرار کند.

۳۰- روایت ها درخصوص بازداشت و مرگ روزنامه نگار وفعال ایرانی آقای رضاهدی صابر، نگرانی های بیشتری را در خصوص دستگیری های خودسرانه و بازداشت و رفتار با کنشگران جامعه مدنی مطرح می سازد. آقای صابر گفته می شود که به دنبال اعتصاب غذایی که با حمله قلبی مواجه شد در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ جان خود را از دست داد. مقامات زندان متهم شده اند که از توجه پزشکی به وی خودداری کرده اند درحالی که او ساعت ها از درد قفسه سینه شکایت می کرد قبل از اینکه از او مراقبت پزشکی به عمل آید. آقای صابر از دوم ژوئن در اعتصاب غذا بود بعد از اینکه هاله سحابی دختر مرحوم عزت الله سحابی از رهبران ملی-مذهبی بر اثر یک حمله قلبی در جریان مراسم ترحیم پدرش و پس از برخورد با نیروهای امنیتی کشته شد. اطلاعاتی رسیده به گزارشگر ویژه پیشنهاد می دهد که زندانیان از اعتصاب غذا به عنوان وسیله ای برای اعتراض به وضعیت زندان، بازداشت خودسرانه و یا احکام تبعیض آمیز استفاده می کنند. در زمان نوشتن این گزارش، حداقل ۱۵ زندانی در اعتصاب غذا بودند که حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است.

۳۱- عیسی سحرخیز روزنامه نگار و فعال سیاسی و رییس سابق بخش مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم اکنون در زندان رجایی شهر به دلیل اتهاماتی چون "توهین به رهبری" و "تبلیغ علیه

نظام " نگهداری می شود. آقای سحر خیز در تاریخ ۳ اگوست ۲۰۰۹ دستگیر و به سه سال زندان و یک سال ممنوعیت از سفر خارجه و پنج سال ممنوعیت از فعالیت های روزنامه نگاری محکوم شد. در تاریخ ۵ اگوست ۲۰۱۱ آقای سحرخیز مطلع شد که او به دو سال دیگر در زندان محکوم شده برای فعالیت های مطبوعاتی گذشته اش.

۳۲- حسین رونقی ملکی وب لاگ نویس در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹ دستگیر شد و برای ۱۱ ماه در سلول انفرادی بند الف-۲ زندان اوین نگهداری شد. آقای ملکی در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۰ به ۱۵ سال زندان به خاطر اتهاماتی چون "عضویت در شبکه پراکسی ایران" و "توهین به رییس جمهور" محکوم شد. وکیل آقای ملکی اعلام کرده است که وضعیت سلامتی او نیازمند توجه پزشکی خارج از زندان است. در ۱۵ مارس ۲۰۱۰ روزنامه تندروکیهان مقاله ای منتشر کرد که در آن رونقی ملکی به اتهامات جدی همچون "پذیرفتن پول از دولت های غربی" و "کمک به شخصیت های سیاسی برای فرار از ایران" و "رهبری گروه های سیاسی" نسبت داده شده بود. گفته می شود که آقای ملکی در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می شود.

۳۳ - مسعود باستانی روزنامه نگار، در ۵ جولای ۲۰۰۹ دستگیر شد به خاطر فعالیت هایی که در سایت جمهوریت داشت که به صورت آشکار از آقای موسوی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ حمایت می کرد همچنین اتهام هایی همچون "سامان دهی تظاهرات و تبلیغ علیه نظام". براساس گزارش ها آقای باستانی سه ماه در سلول انفرادی سپری کرد و توسط ماموران زندان هنگامی که اعضای خانواده به ملاقات وی رفته بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفت- زمانی که او تفاضای چندین دقیقه وقت بیشتر برای خداحافظی با مادر و همسرش رادر ژوین ۲۰۱۱ داشت.

در نتیجه او دچار حالت تهوع و از دست دادن تعادل خود شد به نحوی که باعث انتقال او به بیمارستان گشت جایی که گفته می شود یک روز برای اینکه مطمئن شوند ضایعه مغزی صورت نگرفته آنجا ماند. او بعد از اینکه شکایت خود را در خصوص ضرب و شتم پس گرفت، از سلول انفرادی به بند عمومی منتقل شد.

۳۴- بهمن احمدی امویی روزنامه نگار که برای روزنامه های اصلاح طلب می نوشت و همچنین دارای یک وب لاگ بود درژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد و هم اکنون حکم پنج ساله خود را به خاطر "اقدام علیه امنیت ملی" می گذرانند. در نامه ای که وضعیت زندان خود را تشریح کرد امویی و

شماری از زندانیان دیگر نوشتند که اکثر آنها در شرایط غیرانسانی با آنها رفتار شده از جمله استفاده معمول از حبس انفرادی در سلول هایی که تقریباً ۲.۲ در ۱.۶ متر بودند. در این نامه آمده است که آنها مورد ضرب و شتم شدید و بدرفتاری قرار گرفته اند از جمله سر آنها را درون توالت کردند، مداوما تهدید شدند و از برای مدت طولانی از خواب محروم بودند.

۳۵- محمدصدیق کبووند موسس سازمان حقوق بشر کردستان و روزنامه نگار در ژوئن ۲۰۰۷ بازداشت و در زندان اوین حبس شد و به مدت پنج ماه در آنجا در سلول انفرادی بود. وی به ده سال حبس و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تاسیس سازمان حقوق بشر کردستان" ، "تبلیغ علیه نظام از طریق انتشار اخبار" ، "مخالفت با قوانین جزایی اسلامی از طریق انتشار مجازات هایی مانند اعدام و سنگسار" و "فعالیت در حمایت از زندانیان سیاسی" محکوم شد. از آن زمان تا کنون آقای کبووند از بیماریهای شدید و مداومی رنج برده است و بنا بر گزارشات در بسیاری از مواقع از توجه پرسنل پزشکی محروم بوده از جمله دو سکت در سال ۲۰۱۰ داشته است. به گفته همسر کبووند شوهرش به وی گفته است که پس از اولین حمله قلبی توسط متخصص اعصاب دیده شده ولی معاینه دقیق نداشته و هیچ آزمایشی از او به عمل نیامده است. همسر وی همچنین گفته است که به گفته شوهرش پزشک حاضر در عوض یک سری قرص هایی برای استفاده روزانه تجویز کرده است ولی هیچ گونه جزییاتی در مورد اسم، خواص طبی یا عوارض جانبی آن به وی نگفته است.

۳۶- تقی رحمانی روزنامه نگار، نویسنده و عضو شورای فعالان ملی مذهبی و یکی از اعضای فعال کمپین انتخاباتی مهدی کروبی در سال ۱۳۸۸ در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۱۱، پس از آنکه ماموران امنیتی ناشناس بنا بر گزارش ها به طور خشونت آمیز به خانه وی هجوم آوردند در حضور همسر و دو فرزند خردسالش او را بازداشت کردند. بنا به اظهارات همسرش نرگس محمدی مقامات ایرانی هیچ گونه اطلاعاتی (تا کنون) در مورد اتهامات وی بیان نکرده اند.

۳۷- کیوان صمیمی مدیرمسئول مجله نامه که دیگر منتشر نمی شود در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ بازداشت شد. او به شش سال زندان و ممنوعیت مادام العمر از فعالیت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی محکوم شده است و اتهامات وی «عضویت در گروه های غیرقانونی از جمله ائتلاف ملی مذهبی، شورای ملی صلح و کمیته پیگیری بازداشت های خودسرانه» می باشند. دادگاه تجدید نظر حبس او را تایید کرده اما محرومیت از

فعالیت‌ها را به پانزده سال کاهش داد. آقای صمیمی درون زندان به بیماری کبدی دچار شده اما مقامات زندان بنا بر گزارشات از اجازه دادن به وی برای درمان در خارج از زندان خودداری کرده‌اند. آقای صمیمی همچنین بنا بر گزارشات در زمان‌های متعددی مورد بدرفتاری در زندان قرار گرفته و در فوریه ۲۰۱۰ فعالان محلی گزارش دادند که وی پس از آنکه به شرایط زندان اعتراض کرده است به سلول انفرادی منتقل شده است. همچنین گزارش شده است که از دیدارهای خانوادگی وی جلوگیری شده است.

رفتار با فعالان دانشجویی

۳۸- سه مصاحبه با فعالان دانشجویی که خواسته‌اند ناشناس بمانند در طی نوشتن این گزارش انجام شد. این دانشجویان گزارش داده‌اند که آنها با بازداشت و ارباب‌مواجه شدند و در مواردی مورد ضرب و شتم و شکنجه به دلیل ارتباطاتشان با سازمان‌های قانونی ثبت شده فعالان دانشجویی قرار گرفته‌اند. پرونده‌های دیگری هم از سوی سازمان‌های معتبر غیردولتی در اختیار گزارشگر ویژه قرار گرفته‌اند.

فعال دانشجویی عبدالله مومنی در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد و [۳۹- به عنوان شرکت در اعتراضات ۲۰۰۹ به چهار سال و ۱۱ ماه زندان محکوم شد. گزارش شده است که آقای مومنی برای تقریباً ۲۰۰ روز در حبس انفرادی بوده است و مورد آزار فیزیکی و روحی قرار گرفته و وادار به اعترافات تلویزیونی شده است. در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله خامنه‌ای آقای مومنی نوشته است که بازجویان او گلوی او را تا حد بیهوشی فشار داده‌اند و ماموران در چندین بار سر او را به درون توالت فرو برده‌اند. مومنی همچنین گفته است که وی از مرخصی و دیدارهای خانوادگی پس از انتشار این نامه محروم شده است. اتهامات جدیدی علیه آقای مومنی در ۲۷ جولای ۲۰۱۱ مطرح شده است که ادعا شده است که به دلیل نوشتن نامه فوق می‌باشد. همسر مومنی گفته است که شوهرش نیاز به معالجه طبی در خارج از زندان دارد ولی از توجهات پزشکی مربوطه محروم است. با این حال آقای مومنی هنوز حکم جدیدی دریافت نکرده و از مرخصی هم در طی تمام بازداشتش محروم بوده است.

۴۰- رامین پرچمی کارشناس ارشد کارگردانی فیلم و بازیگری در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ در اعتراضات خیابانی بازداشت شد. قاضی دادگاه آقای پرچمی را به یک سال در زندان به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی»، «تلاش برای ضبط ویدیو» و «اختلال در نظم عمومی» محکوم کرده است. این هنرمند که از حامیان جنبش سبز

می باشد در یک سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین که تحت کنترل وزارت اطلاعات می باشد برای دو ماه بازداشت بود. وی سپس به بند ۳۵۰ منتقل شد.

۴۱- علی ملیحی فعال دانشجویی، روزنامه نگار و عضو دفتر ادوار تحکیم وحدت در ۲ فوریه ۲۰۱۰ بازداشت و متهم به "اجتماع و تبانی علیه نظام"، "تبلیغ علیه نظام"، "شرکت در تجمعات غیرقانونی"، "نشراکاذیب" و "توهین به رییس جمهور" شد. وی در قبال این اتهامات به چهار سال زندان محکوم شد که دادگاه تجدید نظر در جولای ۲۰۱۱ آن را تایید کرده است.

۴۲- آرش صادقی فعال دانشجویی که محروم از تحصیلات عالی شده است بنا بر گزارشات به دلیل عضویت در کمپین انتخاباتی میرحسین موسوی از تحصیلات عالی محروم شده است. آقای صادقی اول در ۹ جولای ۲۰۰۹ در حین هجوم به محوطه دانشگاه تهران بازداشت و پس از ۴۵ روز آزاد شد. آقای صادقی دوباره پس از اعتراضات عاشورای ۱۳۸۸ دستگیر و در آوریل ۲۰۱۰ آزاد شد. در نوامبر ۲۰۱۰ وی به دادرسی زندان اوین احضار و در آنجا بازداشت و به ۵ سال زندان به جرم اجتماع و تبانی علیه نظام محکوم شد. بنا بر گزارشات صادقی در آوریل ۲۰۱۱ به دنبال اعتصاب غذا به کما فرو رفت. صادقی همچنین بنا بر گزارشات دچار مشکلات فیزیکی به دلیل ضرب و شتم مداوم و شکنجه همچون عفونت ریه و فلج عضو شده است.

D هنرمندان

۴۳- جعفرپناهی کارگردان شناخته شده سینمای ایران و برنده جایزه فستیوال کن و فستیوال فیلم ونیز برای فیلم های بادبادک سفید و دایره، برای اولین بار در ۳۰ جولای ۲۰۰۹ به همراه فیلمساز مستند مهناز محمدی برای حضور در مراسم یادبود کشته شدگان اعتراضات ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی پس از چند روز آزاد شد ولیکن دوباره در اول مارس ۲۰۱۰ در خانه اش به همراه ۱۸ تن از اعضای خانواده و دوستانش بازداشت شد. اعضای خانواده و دوستان وی پس از چندروزی آزاد ولی وی تا ۲۵ ماه می ۲۰۱۰ در زندان ماند و با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی به دنبال واکنش های جامعه هنری بین المللی آزاد شد. در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ قاضی دادگاه پناهی را به ۶ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از ساختن هر فیلم یا نوشتن فیلمنامه و یا مصاحبه با رسانه های ملی و بین المللی و سفر به خارج از کشور محروم کرد.

۴۴- محمدرسول اف کارگردان سینما یکی از همکاران جعفر پناهی هم به شش سال زندان محکوم شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران با اتکا به موارد ۵۰۰، ۶۱۰ و ۱۹ قانون جزایی اسلامی با متهم کردن وی به "اجتماع و تبانی" با قصد "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی" محکوم کرد.

۴۵- محسن نامجو خواننده و اهنگسار ایرانی به طور غیابی به ۵ سال زندان در ۹ ژوئن ۲۰۰۹ محکوم شد. محکومیت نامجو به جرم "توهین به مقدسات اسلامی" که ادعا شده است به دلیل تمسخر و خواندن قرآن به روش غیرمعمول بوده است. وی در حال حاضر در خارج از ایران به سر می برد.

وکلا

۴۶- شیرین عبادی وکیل برجسته حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل لیستی از ۴۲ وکیل که از سال ۲۰۰۹ مورد تعقیب قضایی و آزاردولتی قرار گرفته اند به گزارشگر ویژه ارائه داد. وی گوشزد کرد که دولت جمهوری اسلامی ایران وکلایی که مدافعین سیاسی را وکالت می کنند را در سالهای گذشته با بدبینی به آنان می نگرد. در نتیجه آنها با پرونده هایی روبرو بوده اند. برخی از آنها هم اکنون در حبس به سر می برند. از جمله آقای هوتان کیان، آقای قاسم شعله سعدی و آقای حسین یونسی. برخی دیگر از آنان با قرار وثیقه آزاد می باشند از جمله آقایان محمدعلی دادخواه، خلیل بهرامیان و عبدالفتاح سلطانی. عده ای دیگر از جمله خانم مهناز پراکند و خانم نسیم غنوی مورد بازجویی قرار گرفته اند. خانم عبادی همچنین گفته که اکثر این وکلا با اتهامات مربوط به حرفه وکالت و دفاع از حقوق متهمین در پرونده های سیاسی روبرو می باشند و به دنبال این تحولات غیرقابل اجتناب است که وکلای کشور در آینده ای نزدیک شجاعت خود برای دفاع از این گونه اشخاص را از دست بدهند.

۴۷- وکیل برجسته حقوق بشر ایرانی نسرين ستوده در ۴ سپتامبر ۲۰۱۰ به دادرسی زندان اوین احضار و در آنجا بازداشت و به سلول انفرادی منتقل شد. در ژانویه ۲۰۱۱ به ۱۱ زندان و ۲۰ سال محرومیت از حرفه وکالت و ۲۰ سال ممنوع الخروج شد. اتهامات وی شامل "اقدام علیه امنیت ملی"، "تبانی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران"، و "عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر" است. تقریباً یک سال پس از بازداشت ستوده که مادر دو فرزند خردسال می باشد همچنان در زندان اوین محبوس و از مرخصی وی جلوگیری شده است. پس از آنکه بازجویان

به وی گفتند که دادگاه تجدید نظر ۱۱ سال حکم وی را تایید خواهد کرد ستوده درخواست خود را برای تجدید نظر پس گرفت. خانم ستوده چندین بار برای اعتراض به بازداشت غیرقانونی و نقض حقوق وی به اعتصاب غذا روی آورده است. بنا بر اطلاعات کسب شده توسط گزارشگر ویژه همسر خانم ستوده رضا خندان که به طور علنی برای رفتار عادلانه با همسرش تلاش می کند توسط مقامات بازجویی، بازداشت و مورد تهدید و آزار فیزیکی قرار گرفته است. اعضای خانواده خانم ستوده بنا بر گزارشات در یک ملاقات اخیر از وی در زندان توسط مقامات زندان مورد آزار بدنی و بازداشت قرار گرفتند. در اعتراض به آزار بدنی و بازداشت اعضای خانواده اش خانم ستوده بنا بر گزارشات از دیدارهای خانوادگی خودداری کرده است.

۴۸- محمدسیف زاده وکیل برجسته و یکی از موسسین کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۱۰ به ۹ سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از وکالت به جرم "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق "تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر" محکوم شد. پرونده وی در حال حاضر در شعبه ۵۴ دادگاه انقلاب مورد تجدید نظر است. اتهامات وی شامل "تبانی و اجتماع به منظور "اخلال در نظم داخلی" و "فعالیت های تبلیغاتی علیه نظام" بوده است. ولی از دسترسی به وکیلش و دیگر ضوابط دادرسی عادلانه محروم بوده است.

فعالان محیط زیست

کمپین نجات دریاچه ارومیه

۴۹- اطلاعاتی در مورد تشدید مشاجرات مربوط به تهدیداتی که دریاچه ارومیه با آن روبروست به گزارشگر ویژه از طریق چندین سازمان غیردولتی در اگوست ۲۰۱۱ ارسال شده است. فعالان محیط زیستی و همچنین ساکنین دو شهر بزرگ در اطراف دریاچه، ارومیه و تبریز، براین باورند که ساخت ۳۵ سد بر روی ۲۱ رودخانه ای که آب دریاچه را تامین می کنند موجب جلوگیری از انتقال ۵.۵ میلیارد متر مکعب به طور سالیانه شده است. از دست دادن این مقدار آب گفته می شود که دلیل عمده کاهش فزاینده سطح آب این دریاچه است. گزارشات ادعا می کند که ۸ میلیارد تن نمک می تواند به صورت بالقوه به محیط اطراف این دریاچه در حال خشک شدن آسیب برساند و موجب از دست دادن گیاهان و جانداران آن شود. همچنین بر روی سلامت و توانایی کشاورزی تقریباً ۱۴ میلیون ساکن منطقه مضر باشد.

۵۰- اعتراضات برای نجات این دریاچه پس از آنکه مجلس ایران نتوانست لایحه ای فوری برای بالا بردن سطح آب دریاچه از طریق انحراف آب از رودخانه ارس در اواخر اگوست ۲۰۱۱ را به تصویب برساند شکل گرفت. این اعتراضات بنا بر گزارشات موجب دستگیری حداقل ۶۰ نفر به دلیل شرکت در این اجتماعات و مجرم شدن ۴۵ معترض دیگر به دنبال تیراندازی از سوی مامورین شده است. ادعاهای دریافت شده حاکی از آن است که بازداشت شدگان از دسترسی به وکیل، خانواده و مداوای پزشکی محروم بوده و تحت شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گرفته اند. فرآنک فرید یک فعال و روزنامه نگار و از اعضای اقلیت آذربایجان ایران بنا بر گزارشات بعد از بازداشت در تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۱۱ در شهر تبریز مورد شکنجه قرار گرفته است. خانم فرید که در حال حاضر در زندان تبریز حبس است بنا بر گزارشات متهم شده به "توهین به مقام رهبر"، "تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی" شده است. گزارشگر ویژه نگران ادعاهای سرکوب حقوق تضمین شده آزادی بیان و اجتماعات و همچنین ادعاهای محرومیت از دادرسی عادلانه برای بازداشت شدگان می باشد.

آزادی اجتماعات

۵۱- پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی حق اجتماع مسالمت آمیز را تضمین می کند. ولیکن در موارد مختلف ادعا شده است که حق اجتماع مسالمت آمیز زیر پا گذاشته شده منجمله صادر نکردن مجوز از سوی دولت و ارباب تجمع کنندگانی که برای سالگرد انتخابات خرداد ۸۸ اقدام کردند. گزارشگر ویژه همچنین آگاه شده است که به عنوان نمونه ماموران دولتی بنا بر گزارشات از حق حضور عزاداران در مراسم تشییع جنازه عزت الله سحابی فعال سیاسی را نادیده گرفتند. گزارشات تصریح می کنند که نیروهای امنیتی در تشییع جنازه که در ژوئن ۲۰۱۱ اتفاق افتاد را متخل کردند و با خشونت جسد آقای سحابی را گرفته و با خود بردند و به ضرب و شتم عزاداران پرداختند از جمله دختر آقای سحابی، هاله سحابی. خانم سحابی همچنین یک فعال سیاسی در حال گذران حکم دو سال زندان خود به جرم "تبلیغ علیه نظام" و "اختلال در نظم عمومی" بود ولی برای حضور در تشییع جنازه پدرش به مرخصی آمده بود. بنا بر اظهارات شاهدان عینی خانم سحابی توسط ماموران امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به دنبال آن بر اثر یک حمله قلبی مرگبار درگذشت.

۵۲- در مصاحبه با یک عضو سابق کمپین ریاست جمهوری مهدی کربوبی که درخواست کرد ناشناس بماند، گزارش شد که در ۳۰ جولای ۲۰۰۹، پس از

آنکه آقای کروبوی به مراسم یادبود کشته شدگان در اعتراضات ژوئن ۲۰۰۹ به بهشت زهرا رفت، در آنجا نیروهای پلیس به صورت مستمر به شرکت کنندگان با باتوم، اسپری فلفل و گاز اشک آور حمله کردند. این شاهد گزارش داد که وی از آقای کروبوی در حین آنکه مورد ضرب و شتم قرار گرفت جدا شد. ولیکن آقای کروبوی توانست بدون اینکه صدمه ببیند توسط محافظان امنیتی خود به ماشین خود برسد. این شاهد همچنین گزارش داد که آقای کروبوی در ۱۱ فوریه ۲۰۱۰ دراجتماعی در شمال میدان آزادی مورد حمله قرار گرفت. بنا بر این گزارش آقای کروبوی در قسمت ران و کمر خود مورد ضرب و شتم قرار گرفت و همچنین گاز اشک آور و در معرض گاز اشک آور و اسپری فلفل بود. علی کروبوی یکی از پسران آقای کروبوی با تجمع کنندگان دستگیر و به یک مسجد منتقل شد. در آنجا علی کروبوی بنا بر گزارش مورد ضرب و شتم شدید در مقابل دیگر بازداشت شدگان قرار گرفت. بنا بر این گزارش یک دست او دچار شکستگی شد و دچار جراحاتی در ناحیه کمر و چشم شد. وی پس از ۲۴ ساعت آزاد شد.

حقوق زنان

۵۳- همانطور که در بالا اشاره شد جمهوری اسلامی ایران پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی را بدون شرط تصویب کرده که نمایانگر نیت برای ترویج و حفاظت از توانایی زنان برای بهره مندی از تمام حقوق مدنی و سیاسی که در این پیمان نامه تصریح شده می باشد. در حالیکه ماده ۲۰ قانون اساسی ایران می گوید " همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" بحث تفسیر قوانین شریعت و چگونگی همخوانی آن با برابری جنسیتی موضوع گفت و گوی مداومی بین دولت و فعالان حقوق زنان می باشد.

گزارشگر ویژه براین باور است که ظرفیت دولت برای ایجاد دموکراسی، چندصدایی و برابر جنسیتی به طور جدی از طریق سرکوب فعالان که برای ارتقا این گفت و گو تلاش می کنند نادیده گرفته شده است.

۵۴- اضافه براین، به کارگیری برخی قوانین که مانع برقراری برابری جنسیتی می باشند توانایی دولت را برای حفاظت از حقوقی که در پیمان نامه حقوق مدنی سیاسی برای تمامی شهروندان تضمین شده تضعیف می کند. برای مثال جان یک زن و شهادت یک زن در دادگاه نصف مرد حساب می شود. مردان حق مطلق طلاق دارند در حالیکه زنان فقط می توانند درخواست طلاق را در شرایط به خصوصی مطرح کنند که برخی از

آنان باید از قبل عقدنامه ذکرشده و مورد موافقت قرار گرفته باشد. مادران نمی توانند حق ولایت فرزندان خود را داشته باشند حتی پس از آنکه شوهرشان فوت کنند. زنان حق ارثیه مساوی نداشته و حتی وقتی که یک زن تنها بازمانده شوهرش باشد نمی تواند بیش از یک چهارم دارایی او را به ارث ببرد. اگر همسر تنها بازمانده نباشد ارث وی به یک هشتم اموال محدود است.

۵۵- فعالان حقوق زنان که تلاش برای برقراری برابری جنسیتی می کنند، به دلیل کارزارها و فعالیت هایشان در مورد حقوق زنان هدف قرار گرفته اند. برای مثال اعضای کمپین یک میلیون امضا به صورت مستمر مورد تهدید، آزار واذیت، بازجویی و زندان قرار گرفته اند. گزارشگر ویژه دو مصاحبه با اعضای این کمپین انجام داد که خواستند نامشان در گزارش مطرح نشود. به گفته این افراد آنها تحت نظر، بازجویی با چشم بند و بازداشت بوده اند. این بازجویی ها مربوط به فعالیت این فعالان دانشجویی و حقوق زنان بوده است. این افراد همچنین گفتند که تهدید به اخراج از دانشگاه یا محرومیت از ادامه تحصیلات خود به دلیل فعالیت هایشان بوده اند. آنها همچنین گزارش دادند که برای مدتهای طولانی در طی زمان بازجویی و تحقیقات در سلول های انفرادی به سر برده اند. همچنین از دسترسی به وکیل محروم بوده و تحت فشار برای اعتراف علیه خود و یا دیگران و حتی اشخاصی که حتی برای آنها ناشناس بوده اند قرار داشته اند. یکی از این شاهدین گفت که به طورغیابی به ۵ سال زندان به جرم " تشویق اعتراضات" ، یک سال برای انتشاراکاذیب از طریق مصاحبه های رسانه ای و نوشتن مقالات و همچنین یک سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق به جرم "اقدام علیه نظام از طریق شرکت در تجمعات" محکوم شده است.

۵۶- اجرای سختگیرانه کدهای اخلاقی مربوط به پوشش و تلاش برای جرم آفرینی برای حجاب نامتناسب موجب محدودیت هایی درحضور زنان در صحنه اجتماع شده است. همچنین بیانات برخی از مقامات در مورد برخی از قربانیان و کسانی که به کرامت انسانی و جسمی آنها بی حرمتی شده است موجب نگرانی است. این گزارشات شامل اظهارات مقامات دولتی در مورد پوشش زنان به عنوان دلیل حملاتی که اخیرا دراصفهان در ژوئن ۲۰۱۱ اتفاق افتاد و در طی آن ۱۴ زنی که در یک میهمانی خصوصی بودند ربوده و مورد تجاوز جمعی قرار گرفتند. بیانات مقامات رسمی ادعا کردند که پوشش این زنان منبع خشونتی است که برعلیه آنها انجام شد و دلیلی برای عدم اقدام قضایی برعلیه عاملان شمردند.

۵۷- پرونده بهاره هدایت فعال دانشجویی و حقوق زنان و عضو شورای

مرکزی و سخنگوی دفتر تحکیم وحدت و فعال کمپین یک میلیون امضا به گزارشگر ویژه ارائه شد. بنابه گزارشات وی از سوی ماموران وزارت اطلاعات ایران برای پنجمین بار در چهار سال اخیر در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. در ماه مه ۲۰۱۰ خانم هدایت به ۹ سال و نیم زندان محکوم که پنج سال آن به اتهام " اجتماع و تبانی علیه نظام"، دوسال آن برای "توهین به مقام رهبری" و شش ماه آن برای اتهام "توهین به رئیس جمهور" است. دادگاه همچنین دوسال حبس تعلیقی وی را به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی به قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در سال ۲۰۰۶ به جریان انداخت.

۵۸- محبوبه کرمی فعال حقوق زن و از اعضای کمپین یک میلیون امضا، در ابتدا در اول مارس ۲۰۰۹ بازداشت و پس از گذراندن ۱۷۰ روز زندان به دنبال تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. خانم کرمی سپس به چهار سال زندان محکوم شد. در فوریه ۲۰۱۱ دادگاه تجدید نظر، حکم وی را به ۳ سال کاهش داد. وی در ۱۵ می ۲۰۱۱ پس از آنکه وی توسط دادرسی زندان اوین احضار شد حبس سه ساله خود را آغاز کرد. اتهامات خانم کرمی شامل "عضویت در سازمان فعالان حقوق بشر"، "تبلیغ علیه نظام" و " اجتماع و تبانی به منظور اقدام علیه امنیت ملی می باشد".

اقلیت های قومی و مذهبی

۵۹- گزارشگر ویژه همچنین نگران گزارشاتی از خشونت های هدفمند و تبعیض علیه گروه های اقلیتی می باشد. اعضای اقلیت های قومی و مذهبی رسمی و غیررسمی از جمله شهروندان عرب، آذری، بلوچ، کرد، دروایش نعمت الهی، سنی ها، بهاییان و جوامع مسیحی که بنا به گزارشات با نقض وسیع حقوق بشر و حقوق مدنی خود روبرو هستند. از جمله نقض حقوق آزادی اجتماعات، انجمن ها، بیان و حرکت آنان.

۶۰- گزارشگر ویژه نگران گزارشات مبنی بر تعدی به اعضای جامعه بهاییان که با وجود آنکه بزرگترین اقلیت مذهبی غیرمسلمان می باشند اما از شناسایی رسمی دولت برخوردار نیستند. اعضای آنان در یک روند تاریخی از تبعیضات گوناگونی رنج برده اند از جمله محرومیت از مشاغل، حقوق بازنشستگی و فرصت های تحصیلاتی و همچنین مصادره و تخریب اموال. بنا بر گزارشاتی که گزارشگر ویژه دریافت کرده است حداقل ۱۰۰ عضو جامعه بهایی من جمله ۷ تن از افراد صاحب نام آنان هم اکنون در زندان های ایران به سر می برند. ادعا می

شود که اکثریت این بازداشت شدگان با جرائم امنیتی روبرو بوده و در جریان روندهای دادرسی غیرعادلانه محکوم شده اند.

۶۱- به علاوه اقلیت های مذهبی رسمی هم با محدودیت های جدی در بهره مندی از حقوق خود روبرو هستند و محدودیت های فراوانی برای آزادی مذهب و عقاید مواجه هستند. گزارشگر ویژه خاطر نشان می کند که تغییرکیش از اسلام همچنان قابل مجازات است. ماده ۱۳ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی مسیحیت را به رسمیت می شناسد و به مسیحیان حق عبادت و ایجاد انجمن های مذهبی می دهد. ماده ۱۶ قانون اساسی دولت ایران را موظف به حمایت از برابری و حقوق مسیحیان می کند. ولیکن بنا بر گزارشات مسیحیان در جمهوری اسلامی ایران، با موانعی برای آزادی مذهب روبرو بوده و هدف ابعاد مختلفی از تبعیض مذهبی قرار دارند. گفته می شود که این شرایط به خصوص در مورد مسیحیان پروتستان که به تازگی تغییر مذهب داده اند اعمال می شود. وزارت اطلاعات اجتماعات پروتستان ها را از نزدیک تحت نظر قرار می دهد و به طور مداوم اعضای آنها را احضار، بازجویی و بازداشت می کند. در طی این بازجویی ها از افراد در مورد اعتقاداتشان فعالیت هایی کلیسایی، دیگر اعضای کلیسا پرسش می شوند و اغلب ترغیب به بازگشت به اسلام می شوند. در این مورد برخی از اعضای پروتستان گزارش داده اند که توسط ماموران اطلاعاتی تهدید شده اند که اگر به اسلام برنگردند بازداشت و به جرم ارتداد محاکمه خواهند شد. این روند آزار واذیت منجر به فعالیت های زیرزمینی اغلب کلیساهای پروتستان شده که مراسم کلیسایی و انجیل خوانی در خانه های شخصی اجرا می شود.

۶۲- گزارشگر ویژه به ویژه نگران از حکم اخیر دیوان عالی جمهوری اسلامی است که حکم اعدام آقای یوسف ندرخانی کشیش پروتستان که در خانواده ای مسلمان به دنیا آمده ولی در سن ۱۹ سالگی به مسیحیت روی آورده است. بنا بر این حکم صادره اگر این شخص مسیحیت را نفی نکند وی به دار آویخته خواهد شد. این پرونده نشانه ای از بی مدارایی مذهبی و نقض حقوق آزادی مذهبی و اعتقادی با تایید حکومتی است. آزادی مذهب و اعتقادی یک آزادی تضمین شده در قوانین بین المللی است. کشیش بهروز صادق خانجانی، از کلیسای ایران در شهر شیراز، همچنین در ژوئن ۲۰۱۰ بازداشت شد و به مدت دو ماه بدون ارتباط با دنیای خارج در سلول انفرادی به سر برد. مقامات قضایی اول او را به ارتداد متهم کردند ولیکن بعدا جرم وی را به توهین به مقدسات تغییر دادند. وی هم اکنون در انتظار محاکمه برای این

جرم است.

۶۳- در ارایش صوفی مسلمان در جمهوری اسلامی ایران همچنین با موانع برای آزادی مذهب و تبعیض مذهبی به اشکال مختلف روبرو هستند. این به خصوص در مورد اعضای دروایش نعمت الهی گنابادی اعمال می شود. غلامعباس زارع حقیقی یکی از رهبران دروایش گنابادی، به خاطر اینکه اجازه دفن در گورستان صوفی ها را داده بود در اکتبر ۲۰۰۹ به چهار سال زندان محکوم شد. در ۱۳ آوریل ۲۰۱۱ مقامات ۸ درویش گنابادی را به اسامی عبدالرضا کاشانی، شکرالله حسینی، علیرضا عباسی، علی کاشانی فر، محمد مروی، نظرعلی مروی، رامین سلطان خواه و ظفرعلی مقیمی بازداشت کردند. تمام آنان از اعضای گروهی از دروایش بودند که قبلا به پنج ماه زندان، پنجاه ضربه شلاق و یک سال زندگی در تبعید به جرم اخلاص در نظم عمومی به دنبال تجمع در مقابل دادگستری گناباد و زندان آن شهر برای اعتراض به بازداشت یکی از رهبران خود شده بودند، محکوم شده بودند.

۶۴- آیت الله یوسف صانعی از مراجع تقلید برجسته شیعه در قم است که سابقه صدور فتوا با تفاسیر اصلاح طلبانه دارد. وی از حامیان نامزدی میرحسین موسوی در انتخابات ژوئن ۲۰۰۹ بود. وی همچنین از منتقدان صریح سرکوب پس از انتخابات می باشد. در طی ماه های جولای و اگوست ۲۰۰۹ آیت الله صانعی به صورت علنی در قبال بازداشت ها، شکنجه، اعترافات اجباری و اعمال خشونت علیه معترضین انتقاد کرد. در ۳ ژانویه ۲۰۱۰ نیروهای لباس شخصی بسیجی بنا بر گزارشات به دفتر آیت الله صانعی در شهر گرگان پس از سخنرانی انتقاد آمیز وی در مورد تحولات پس از انتخابات دران شهر حمله کردند. ماموران لباس شخصی همچنان بنا بر گزارشات در مقابل بیت صانعی در قم تجمع کرده و در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۰ به آن حمله و اموال آن را تخریب کردند.

۶۵- مولوی حبیب الله مرجانی مدرس و مدیر امور طلاب در حوزه دارالعلوم در اول ماه می ۲۰۱۱ دستگیر شد. در ۲۴ می ۲۰۱۱ بولتن نیوز وب سایت ایرانی ادعا کرد که مرجانی به اتهام "تلاش برای تشکیل اجتماعات غیرقانونی" بازداشت شده است. هیچ اطلاعاتی در مورد شرایط کنونی وی و وضعیت وی در دست نیست.

۶۶- حجت الاسلام احمد قابل پژوهشگر شناخته شده دینی و از نزدیکان و شاگردان آیت الله منتظری روحانی معترض است. در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰ قابل به دادگاه انقلاب مشهد احضار شد. پس از حضور وی بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد. در ۳۱ جولای ۲۰۱۱ قابل به زندان

وکیل آباد فرخوانده و حکم بیست ماهه زندان خود را به دلیل صحبت درمورد شرایط زندان و اعدام ها آغاز کرد.

۶۷- حجت الاسلام مجتبی لطفی روحانی جوانی است که مقالاتی در روزنامه های اصلاح طلب و وب سایت ها چاپ کرده است. وی به حکم دادگاه ویژه روحانیت شهر قم در ۸ اکتبر ۲۰۰۸ به اتهام "انتشار اکاذیب و تولید و پخش مقالات و جزوه بدون مجوز" بازداشت شد. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸ دادگاه ویژه روحانیت شهر قم لطفی را به چهار سال زندان و پنج سال تبعید محکوم کرد و به زندان لنگرود قم منتقل شد. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ مقامات اعلام کردند که آقای لطفی اجازه دارد که از غروب تا صبح هر روز را در خانه اش به سر برد. ولیکن او موظف بود که هر روز در زندان حضور داشته باشد. به دنیا حضور در مراسم تشجیع جنازه آیت الله منتظری لطفی دوباره دستگیر و این بار به اتهام "شرکت در تشجیع جنازه آیت الله منتظری در طی مرخصی از زندان" توسط دادگاه ویژه روحانیت مورد محاکمه قرار گرفت. دادگاه وی را به ده سال تبعید در شهر آشتیان محکوم کرد.

۶۸- گزارشگر ویژه همچنین گزارشات متعددی در مورد تبعیض علیه مسلمانان سنی در ایران دریافت کرده است. برای مثال جامعه سنی بنا بر گزارشات اجازه ساخت مساجد و محل عبادت ندارند و همچنین از اجرای مراسم نماز جمعی مانند نماز جمعه و عید محروم هستند. در ۲۹ اگوست ۲۰۱۱ یکی از رهبران مذهبی سنی شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید، از رهبر ایران خواست که موانعی که برای اجرای مراسم عید فطر و نماز جمعه برای سنی ها در شهرهای بزرگ وجود دارد را رفع کند. وی همچنین نگرانی خود در مورد گزارشات در مورد اعمال تبعیض آمیز مقامات از طریق گرفتن سوگند کتبی از محققان مذهبی سنی در تهران برای اینکه مراسم عید نماز عید فطر را برگزار نکنند. به علاوه در ۶ فوریه ۲۰۱۱ گزارش شده است که مقامات امنیتی به محل عبادت سنی ها در خانه ای در تهران هجوم برده آن را مهر و موم کرده و پیش نماز آنها را به نام مولوی موسی زاده دستگیر کردند. وی در ۱۳ مارس ۲۰۱۱ با تودیع وثیقه آزاد شد.

اعدام

۶۹- گزارش دوره ای دبیرکل سازمان به شورای حقوق بشر در ایران افزایش چشم گیری را در تعداد اعدام های ثبت شده در ایران ثبت کرده است. علاوه بر نگرانی های جدی در خصوص کثرت استفاده از چنین حکمی، گزارشگر ویژه به همان اندازه در خصوص اینکه مجازات مرگ به صورت

متداول در پرونده هایی که به متهم حق دادرسی عادلانه داده نمی شود نگران است. اعدام های گروهی مخفیانه در داخل زندان ها که در تعداد هشداردهنده ای رخ می دهد اغلب بدون اطلاع و حضور خانواده ها و وکلا صورت می گیرد. اعدام های در ملاء عام که ایرانیان ادعا می کنند تاثیر بازدارنده در وقوع جرم دارد، همچنان اتفاق می افتد. گزارشگر ویژه به خصوص از ویدیوی اعدام سه نفر که به جرم ادم ربایی و تجاوز در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۱۱ در میدان آزادی کرمانشان به دار آویخته شدند و جمعیت زیادی من جمله کودکان ناظر بودند اظهارناراحتی و نگرانی کرده است.

۷۰- به علاوه گزارشگر ویژه در خصوص گزارش های مبنی بر استفاده گسترده از مجازات مرگ برای مجازات هایی که قوانین بین المللی درخصوص جنایت های خیلی جدی را رعایت نمی کنند نگرانی جدی دارد. براساس منابع مختلف از جمله سازمان عفو بین الملل، اکثریت کسانی که در سال ۲۰۱۰ اعدام شدند متهمان مرتبط با جرائم موادمخدوری بودند. کمیته حقوق بشر و گزارشگر ویژه اعدام های فراقضایی، شتاب زده و خودسرانه بیان کرده اند که جرائم مرتبط با مواد مخدر به عنوان "جرائم خیلی جدی" که مجازات مرگ در مورد آنها تحت قوانین بین المللی روا شمرده می شوند به شمار نمی روند. مجازات مرگ همچنین در مورد پرونده هایی با اتهام های محاربه یا "دشمنی با خدا یا حکومت"، تجاوز، قتل، اعمال منافی عفت نیز به کار گرفته شده است. بیش از ۲۰۰ فقره اعدامی که به صورت رسمی اعلام شده اند در سال ۲۰۱۱ رخ داده است. حداقل ۸۳ فرد، از جمله سه زندانی سیاسی تنها در ژانویه ۲۰۱۱ اعدام شده اند. همچنین این نکته مدنظر قرارگرفت که ۴ درصد اعدام ها که توسط رسانه های ایران اعلام شد هیچ اتهامی را مطرح نکرده بودند. حداقل یک نفر به جرم ارتداد در سال ۲۰۱۱ محکوم شده است و نزدیک به ۱۰۰ اعدام انجام شده در سال ۲۰۱۱ مرتبط با جرائم موادمخدوری بوده است.

۷۱- به علاوه براساس گزارشها مقامات ایرانی بیش از ۳۰۰ اعدام را در زندان وکیل آباد مشهد در سال ۲۰۱۰ انجام داده اند. مسوولان زندان وکیل آباد با نقض قوانین ایران ادعا می شود که این اعدام ها را بدون اطلاع دادن یا حضور وکلا و یا خانواده های آنان و بدون اطلاع قبلی کسانی که اعدام شدند انجام دادند. همچنین گزارش شده است که ۱۴۶ اعدام مخفی در سال ۲۰۱۱ انجام شده است.

۷۲- همچنین گزارش شده است که بیش از ۱۰۰ نوجوان (افراد زیر ۱۸ سال) در جمهوری اسلامی ایران انتظار مرگ به سر می برند. در ۲۲ سپتامبر

۲۰۱۱ گزارشگر ویژه به‌مراه گزارشگر اعدام‌های سریع و فراقانونی و گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا و گزارشگر ویژه شکنجه در بیانیه مطبوعاتی مشترکی اعدام در ملا عام نوجوان ۱۷ ساله علیرضا ملا ساطانی را که در ۲۱ سپتامبر در کرج اتفاق افتاد محکوم کردند. گزارشگر ویژه تاکید میکند که اعدام نوجوانان که براساس تعریف شامل افرادی می‌شود که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال دارند توسط (ای. سی. سی. پی. ار) و کنوانسیون حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران هم عضوی از آن است ممنوع اعلام شده است. به علاوه گزارشگر ویژه نگران رفتار نابرابرانه بین دختران و پسران در قانون مجازات است که دختران شش سال زودتر از پسران در برابر مسائل جنایی مسوول و پاسخگو می‌داند.

بازداشت برای ارتباط با نهادهای خارجی

۷۳- امید کوبی دانشمند جوان و فارغ التحصیل دانشگاه تگزاس زمانی که وی برای ملاقات خانواده اش به ایران سفر کرد، دستگیر و از فوریه ۲۰۱۰ در بند ۲۰۹ و بند ۳۵۰ زندان اوین بوده است. براساس گزارش‌ها او از آن زمان در زندان اوین نگهداری شده است. اتهاماتی که به وی نسبت داده شده عبارتند از "تحصیل پول نامشروع" و "رابطه با دولت متخاصم". پیش از دادگاه وی که بعداً برای زمانی نامشخص به تعویق افتاد کوبی نامه ای را به رییس قوه قضاییه ایران نوشت و از آزارواذیت، شکنجه و نگهداری خود در سلول انفرادی سخن گفت. کوبی همچنین نوشت که او به اتهام "بهت آور جمع و تبانی بر علیه امنیت ملی و برای ۳۶ روز در سلول انفرادی نگهداری شده است". آقای کوبی نوشت که او تحت فشار قرار گرفته که اعترافات اجباری بنویسد و در مورد کسانی بنویسد که در سفارت خانه‌ها و یا کنفرانس‌ها آنها را مشاهده کرده و یا در تماس با آنها بوده است. او گفته که به او گفته شده بود که این افراد ماموران سازمان سیا هستند. او فشاری می‌کند که هیچ سابقه ای از فعالیت سیاسی ندارند و قانونی بودن بازداشت خود را به چالش می‌کشد. وکیل آقای کوبی براساس گزارش‌ها نامه ای به رییس قوه قضاییه نوشت و اعلام کرد که او به موکلش دسترسی نداشته است.

۷۴- گزارشگر ویژه یک مصاحبه را با منبعی که خواسته ناشناس بماند در خصوص دستگیری دو پزشک و متخصص ا.ج.ای.وی/ایدز، آرش و کامیارعلایی، همچنین دو همکار آنها محمداحسانی و سیلوا هاراتونیان انجام داده است. مروری بر تصمیم دادگاه در این خصوص که در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ توسط گزارشگر ویژه نشان میدهد که هر چهار نفر متهم

شدند به "اقدام علیه امنیت داخلی از طریق همکاری با دولت ایالات متحده آمریکا". سندی که شامل تصمیم دادگاه است مطرح کرده بود که دولت آمریکا مظنون به " تلاش برای جلب و به کار گیری عناصری در سازمان های غیردولتی، روزنامه نگاران، وب لاگ نویسان، افرادی از طبقه تحصیل کرده و روشنفکر، رهبران علمی، جنبش های اجتماعی و دانشجویان بوده از طریق ایجاد لینک های ارگانیک". این سند در ادامه می نویسد که شاهدهی که استفاده شده تا برادران علایی محکوم گردند این بوده که آنها اعتراف کرده اند که در کنفرانس ها شرکت کرده اند و از افراد برای شرکت در کنفرانس ها دعوت کردند همچنین در سازمان دهی و اجرای برنامه تبادل با نهادهایی مانند دانشگاه جان هاپکینز و انجمن آسیا همکاری کرده اند.

جمع بندی

۷۵- گزارشگر ویژه مایل است که بر میل خود به منظور گفت وگویی سازنده با دولت جمهوری اسلامی ایران، جامعه بین المللی و جامعه مدنی تاکید کند. گزارشگر ویژه نگاه رو به جلویی در مسوولیت دشوار این دستور کار و همچنین خروجی مثبت در حوزه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران دارد. گزارشگر ویژه چندین نقطه امیدوارکننده برای همکاری در این گزارش یافته است، خصوصا اجرای توصیه های گزارش دوره ای (یو.پی.آر)، مواد پیمان نامه ها و یافته های مکانیسم های ویژه. او همچنین روندی فزاینده ای از ادعاهای مرتبط با نقض حقوق بنیادی مردم که تحت قوانین بین المللی تضمین شده است جمع آوری کرده است و بر فوریت شفافیت بیشتر از طرف مقامات ایرانی و گفت وگویی نزدیک تر بین جمهوری اسلامی ایران و جامعه بین المللی برای استحکام تضمین های حقوق بشری برای شهروندانش تاکید می کند.

۷۶- گزارشگر ویژه دولت را برای باز کردن فضای بیشتری برای گروه های ذکر شده کنشگران جامعه مدنی تشویق می کند تا قادر باشند کار خود را به انجام برسانند. او همچنین مایل است که تاکید کند اهمیت آزادی بیان و اجتماعات برای یک جامعه دموکراتیک و باز که براساس حاکمیت قانون اداره می شود و دولت را تشویق می کند تا از سرکوب ناراضیان خودداری ورزد. گزارشگر ویژه همچنین مایل است که اهمیت تداوم بخشیدن فرهنگ مدارا برجسته سازد و از دولت خواستار جلوگیری از تبعیض علیه زنان همچنین اقلیت های قومی و مذهبی در همه جنبه های زندگی عمومی و مناسک مذهبی شان است و اینکه از آزادی آنان برای اجتماع کردن و بیان خودشان حفاظت کند.

۷۷- گزارشگر ویژه همچنین نگرانی خود در مورد سلامت و وضعیت زندانیان، بخصوص آنهایی که در این گزارش ذکر شده اند را اعلام میکند و از جمهوری اسلامی ایران میخواهد که تحقیقات کاملی در مورد پرونده آنان آغاز کند. وی همچنین درخواست بازدید از زندانها و زندانیان را دارد تا بتواند در مورد ادعاهای عنوان شده در این گزارش تحقیق کند. گزارشگر ویژه از جمهوری اسلامی ایران میخواهد تا در مورد این پرونده ها تحقیق و اطلاعات مربوطه را در اختیار وی قرار دهند تا او بتواند در مورد این پرونده ها و تحولات مربوطه به مجمع عمومی و شورای حقوق بشر گزارش دهد. وی همچنین جمهوری اسلامی ایران را تشویق به افزایش همکاری با کارزاهای ویژه سازمان ملل میکند تا فضایی مثبت برای بهبود حقوق بشر در ایران ایجاد شود.

۷۸- گزارشگر ویژه باری دیگر از جمهوری اسلامی ایران میخواهد تا به وی اجازه سفر به ایران داده تا با گفتگو با مقامات بتوانند در مورد صحت وسقم اظهارات مطرح شده نقض حقوق بشر صحبت و آنان را یا تایید کند و یا پایان دهد.